

پرخاش

تأسیس: ۱۳۲۵
ذکر: پرنیزوزی

شماره ۱۸ پنجشنبه ۱۸ مردادماه ۱۳۵۸ تک شماره ۱۰ اریال

و شمارا به خدا ای خدا پرستان !!

فکری بحال بندگان خدا کنید بندگان که خداشان آزاد آفرید ما ست .

باز هم یک مقدمه

امیدوار است که خوانندگان عزیز برای بنده خرده نگیرید کدر هرکار و هر مورد نامی از دکتر مصدق بمیان میاورد و بقول معروف پرخاش را به آن بزرگوار می‌چسباند چه این حقیقتی است روشن که نگارنده افتخار میکند که کارآموز کوچک مکتب پیشوا بوده است ، هرچه در سیاست آموخته از آن بزرگوار مرد است . بیاد دارم که در بحبوحه انتخابات دوره هفدهم که برای مشارکت در کار دادرسی دیوان لاهه در صدد تعیین اعضاء هیات بودند این بنده نیز بدون آنکه تاثیری داشته باشم افتخار حضور داشتم ضمن بر شمردن نام اشخاص صحبت از نویسنده و همکار حقوقدان سرشناسی شد که در آن موقع در اصفهان بفعالیتهای انتخاباتی مشغول بود و پیشوا پس از شنیدن نام ایشان اظهار داشت - اگر تهران بودند حتماً برای عضویت هیات دعوت میشدند .

هنگامیکه ناچیز بودن فاصله راه را متذکر شدیم ایشان اظهار داشتند بنده نمیخواهم ایشان را از حوزه انتخابیه شان بیرون بیاورم که اگر خدای ناکرده موفق نشدند من مسئول آن شناخته شوم و اگر موفق شدند مخالفان بگویند که از انتساب بدولت در کارهای انتخاباتی استفاده کرده است و دعوتنامه یا تلگراف من وسیله جلب توجه بیشتر مردم بیک از کاندیدها بشود در نتیجه نگارنده آن بزرگوار را شخصاً "بتهران دعوت کردم و پیشوا در تهران رفتن بلاهه را بایشان پیشنهاد نمود . روانش شاد .

مقدمه انتخابات و نتیجه آن

انتخابات مجلس خبرگان با عجله و با استفاده از مقدماتی که بعضی از کاندیدها بعلت وجود در مراکز قدرت از آن برخوردار بودند پایان یافت و در بعضی از شهرستانها موجد حوادثی نیز شد و کاندیدهای حزبی حائز اکثریت شدند که بیش از ششماه از تاسیس آن گذشته است .

بیشتر منتخبین اهل دین هستند و از دیدگاه دین در صدد اصلاح کار دنیا باند



تور کازرونی در اصفهان

در صفحه ۷

حساب روزنامه‌های شاهنشاهی از حساب نویسندگان آن جداست .
بازداشت نویسندگان آیندگان را نقض آشکارای آزادی قلم می‌شناسیم .

شماره مخصوص پرخاش

حاوی مطالب زیر
چرا و چگونه دکتر مصدق بفرار انحلال مجلس افتاد -
ماجرای نشر اسکناس و سپاه جوئی مخالفان سرهنگ نصیری چگونه با تانک بخانه مصدق آمد و حامل چه بود
سرهنگ ممتاز چگونه نصیری را توقیف کرد و عنوان کودتا شکن گرفت .

رفران دوم چرا و چگونه انجام شد .
نظرات محافل امریکائی در باره کودتای ۲۸ مرداد آیزنهاور قبل از کودتا بمصدق اولتیماتوم داده بود .
کودتای چیان ۲۵ مرداد چه کسانی را توقیف کردند .
جریان متینگ معروف و تاریخی ۲۵ مرداد در میدان بهارستان و بسیاری مطالب جالب و خواندنی دیگر در شماره مخصوص پرخاش .
روز یکشنبه ۲۸ مرداد از روزنامه فروشها بخواهید .



چه دستهای مرموزی این مشکلات را بوجود می‌آورند ؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر مذهب شیعه جعفری اثنی عشری باشد

خدمات آموزشی ما چگونه آغاز و پایان یافت

مشکل دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

در صفحه ۵

قضیه خود مختاری و مسئله کردستان

	<p>حضرت آیت الله العظمی آملی با قریب پانصد هزار رأی نماینده اول مردم تهران و شهرستانهای تابعه</p>	
	<p>حضرت آقای جلال الدین طاهری با ۷۸۷۰۰۰ رأی پر رأی ترین نماینده مجلس خبرگان از اصفهان</p>	

مراقب باشید ۲۸ مرداد دیگری تکرار نشود

وزیر فرهنگ و آموزش عالی
باتند خوئی به اساتید اهانت میکند

در صفحه ۲

فریاد ملت باندای حق قربان است

در صفحه ۶

داد از دست گران فروشان

در صفحه ۴



بک عکس جالب ، این عکس آقایان نواب صفوی واحدی را در بین خانواد محترم آبادی (مرحوم اسماعیل کریم آبادی) کنار آحرارویار مدرس بود نشان میدهد ، در عکس همکار مبارز و عزیز ما ابراهیم کریم آبادی نیز دیده میشوند .

پوزش

متأسفانه این شماره بعلت اشکالات فنی حاصل از قطع متناوب برق ، بجای چهارشنبه ، روز پنجشنبه ۱۸ خردادماه ۱۳۵۸ منتشر شد ، با عرض پوزش ، امیدواریم این تاخیر دیکر پیش نیاید .

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

بقیه سر مقاله

اگر وکیلی بوظائف خود اقدام کند

کمی وقت اجازه نداد که نگارنده بتواند عین نظریه پیشوا را در این مورد نقل کند ولی با استفاده از حافظه میشود گفت که در مجلس شانزدهم و ماجرای ملی شدن صنعت نفت تحلیلی داشتیم از دکتر مصدق باین شرح که وکالت امریست از نظر حقوقی قابل تنفیذ و اگر آقایان منتخبین بوظائف نمایندگی خود وجدانا و شرعا اقدام کنند و کالتشان مورد تأیید قرار خواهد گرفت بنا بر این نباید به نحو ما انتخابات آنان ایراد کرد چه در شرایطی که اکثریت مردم بیسوادند انجام یک انتخابات آزاد بسیار مشکل است - بنام جمله معترضه این نکته را هم اضافه کنیم که پیشوا در کار انتخابات با آراء باسوادان بسیار تکیه میکرد و حتی در طرح قانون انتخابات اگر وکلای که با آراء قالبی دهات بمجلس آمده بودند میگذشتند بدش نمیآمد که حق رای را به باسوادان واگذار کند و حتی تا مرحله تقسیم وکلاء بدون نوع وکیل باسوادان و بیسوادان پیشرفته بود.

خلاصه پیشوا با توجه باین شرایط و امکانات اجتماعی ماکه هنوز هم تغییری نکرده است معتقد به نحوه کار وکلاء بوده و نه نحوه انتخابشان اگر وکیلی بوظائف ملی قیام و اقدام میکرد پیشوا او را وکیل مردم میشناخت.

نمایندگان منتخب در برابر تاریخ

اکنون بیشتر علما و حضراتی که اکثرا "متعلق بیک موج فکری معین و نماینده یک طرز فکر خاص هستند بعنوان نماینده مجلس بررسی قانون اساسی انتخاب شده اند و شاید عناصر غیر مذهبی یا مکتب در این مجلس از تعداد انگشتان دست تجاوز نکند

اشتباه نفرمائید ذکر کلمه عمامه بعنوان انتقاد و ایراد بیان نمیشود و بمنظور نشان دادن یک طبقه مشخص یعنی روحانیت حاکم فعلی از آن یاد میشود. این علما و بزرگان که اکثرا "از دین بیشتر میدانند و کسانیکه بکار دنیای امروز آشنا نیستند یا در بینشان نیست یا تعداد معدودی هستند.

این توجه ضروریست که قدرت معنوی و واقعی یک قانون آنهم نه یک قانون عادی بلکه قانون اساسی در جنبه های حفظ آزادی - ملی و دموکراتیک بودن آنست که قابلیت انطباق با دنیای قرن بیستم را هم داشته باشد.

هرچه قانون اساسی واقع بینانه تر و از شائبه توجه بهدف خاصی میرا باشد - حقوق فرد - انسان و جامعه را محترم شمارد آزادی گفتار و قلم و حتی انتخاب دین و معتقدات مذهبی را چنانچه در منشور ملل متحد آمده است گرامی بدارد ریشه های محکم تری در میان جامعه خواهد داشت اگر خدای ناکرده در کار این مجلس غرور موقفیت که به صورت حاصل آمده است گریبان آقایان را بگیرد و بفکر طرحی باشند که حقوق و آزادی حتی یک گروه کوچک از جامعه ما را نادیده بگیرد بدست خود تیشه بر بیشه درخت جمهوریت خواهد زد.

یک بررسی کوتاه در نحوه تغییرات قوانین اساسی کشورهای مرفعی میرساند که هرگاه قوانین نتوانسته باشند جوابگوی نیاز

وزیر فرهنگ و آموزش عالی بانند خوبی به اساتید امانت میکنند

نامه همکار محترم دکتر اقبالی

جناب آقای دکتر شریعتمداری، وزیر فرهنگ و آموزش عالی محترما در پانزدهم اسفند ماه ۱۳۵۷، نامه ای درباره مدرسه عالی کشاورزی همدان نوشتم و حضورا هم از آن جناب تقاضا نمودم که به ظلم و ستمی که وزراء و مسئولین وزارت علوم و آموزش عالی دوران تاریک گذشته نسبت به اینجانب نموده اند رسیدگی فرمایند. اسلاف جنابعالی نه تنها اموال منقول و غیر منقول مرا با تهدید استانداران و ساواک غصب و تصرف عدوانی نمودند، بلکه به هیچ عنوان به شکایتم نرسیدند. متأسفانه خود جنابعالی بجای توجه و اعمال عدل و انصاف، در حضور چند نفر دانشجو، مرا مورد بی مهری و اهانت قرار دادید و فرمودید که برای احقاق حقم به دادگاههای صالحه مراجعه نمایم. در برابرین جواب... برای حفظ حیثیت جنابعالی و خودم به سکوت برگزار کردم و دفتر شما را ترک نمودم، اینک ۱۰ ماه از آن تاریخ میگذرد، گزارشی را که طی شماره ۱۳۵۷/۱۲/۲۰

از دانشگاه بوعلی سینا برای اطلاع از سابقه این مدرسه خواسته بودید، نفرستاده اند تا مستحضر شوید آیا خدمات و تلاشهای اینجانب که صرفا در اثر علاقه به زادگاه خود بوده است، برای مملکت مفید بوده و یا اینکه منم مانند دیگران پایستی با یک چوب برانده شوم. مراتب یکبار دیگر به استحضار جنابعالی میرسد و اضافه مینمایم که شکایت به دادگاهها مستلزم پرداخت هزینه سنگین میباشد و بختانه فاقد آن بوده و توانایی پرداخت چنین پولی را ندارم. با توجه به سوابق امر و تجهیزات کشاورزی و کتابخانه و تحقیقاتی که نظیرش در سایر جاها نشده است اگر دستگاه اداره حقوقی وزارت علوم صادقانه رسیدگی کند ملاحظه خواهید فرمود که چه تجاوزی به حقوق از دست رفته و آبرویم شده است. در انتظار بذل توجه فوری. دکتر علی اقبالی

استاد باز نشسته دانشگاه موسس مدرسه عالی کشاورزی همدان پرخاش - ما تصور میکردیم که تند خوئی جناب وزیر علوم که گاهی دانشجویان را با اظهارات نامربوط بر علیه اساتید تحریک میفرمایند اتفاقی است اینک با توجه بشرح بالا معلوم میشود که معظم له اساسا "تندخو هستند و حتما" با این خلق توفیقی در کار خود نخواهند داشت.

احمد - انواری

چگونه ارتش را تجدید سازمان دهیم

که در زمان طاغوت دهانتان راسته بودید و قلم هایتان را در سوراخها گذاشته بودید و میترسیدید که کشته شوید و ثروت کشور را دادید به کسانی که خوردند و رفتند حال میگوئید فلان عمله را نکشید، یا محاکمه نکنید؟ اینها عمله نیستند بلکه دشمن ملت ایران هستند عملها شرافت دارند و آنها بودند که بالله اکبر جلوی گلوله میرفتند، نه شما.

در جواب کلی به این دوست عزیز باید بگوئیم، ما هم ادعا نکردیم که جلوی گلوله رفتیم فقط از ایشان میپرسیم که اینها کدام افراد بودند که الله اکبر گویان را به گلوله مسلسل و تفنگ خود می بستند، آیا آنها که از خود اراده ای نداشته اند هم باید مجازات شوند و اگر این مجازات ادامه یابد تکلیف حفظ کشور و تجدید حیات ارتش چه میشود.

جوابی به یک خواننده درجده

با اعدای رده پایین، چگونه ارتش را تجدید سازمان دهیم

استوار یکم آقای حسن اکین جززاده، که در سفارتخانه ایران درجده خدمت میکنند، نامه ای در رد و اعتراض به یکی از مقاله های مندرج در پرخاش شماره ۱۴ برای ما فرستاده اند، از متن نامه اینگونه برمی آید که ایشان از اینکه مادر مقاله مزبور به اعدام های سطح پایین فلان سرباز یا گروهیان یا دعانویس خاطی اعتراض کرده و گفته بودیم که اینها در حقیقت عملجات شاهنشاهی هستند، از اعدام آنها دست بردارید و به مسائل بزرگتر فکر کنید، ناراحت شده و نامه مذکور را برای ما ارسال داشته اند که معلوم نیست که ایشان از نظر ما مبنی بر درخواست عدم اجرای اعدام های جزئی راضی هستند یا ناراضی و یا اینکه فقط از بکار بردن لفظ عملجات ناراحت شده اند؟

ایشان در قسمتی از نامه خود نوشته اند: آقایان نویسندگان

کریم آبادی برای معالجه با مریکارت روزنامه گرامی و دوست پایمرد ما ابراهیم کریم آبادی مدیر روزنامه اصناف و مدیر عامل بانک ایرانیان که متأسفانه به بیماری دچار آمده است هفته گذشته با مریکا عزیمت کرد ضمن آرزوی سلامتی و مراجعت فوری دوست خوب خودمان در تعقیب مقدمه ای که در شماره پیش داشتیم از دفتر خاطرات زندان ایشان شرحی را که استاد محترم دکتر غلامحسین صدیقی مرقوم داشته اند در اینجا میآوریم.

۱۳۴۲
۲۷ فروردین ۱۳۴۲
دوست ارجمند گرامی آقای ابراهیم کریم آبادی
از آغاز جوانی سالها شاگرد شما بودم در زمان که در زندان بودم
مرا در زندان کربلا که در راه محقق آزادی ملت ایران
زحمتهای شما و زحمتهای شما بودم و بعد از آن که خود وارد
صحنه سیاست شوم بخشم خوش دندم که چگونه شما نیز جز
را بر خود حرام کرده اند و آنچه واقف است نکوی بدر فرخنده
اثر از انسال می کنید در سالهای اخرا آن که تراتر می حاصل
آمد که با آن دوست محترم در مبارزات سیاسی جنبه ملی ایران
همگام شدم تا آنکه در بهمن ماه گذشته در زندان آتیس
شما روزی شدم. اگر فقدان دردناک دفتر محترم شما
بجانب عزیز که بخت محروم از دردمان در زمان ایام شرمناک
عم در گرام شما و همگامانان منی زحمت همانان اوقات مرا که
به جای به در راه حق و حریت می گذرد از روزهای پر ارج زندگانی
خود می شمردم اما انوس! ...
مشکام آنکه گل در از باغ بوستان
رفت آن گل شگفته در خانه شد زبان!
امید دارم آن دوست بهرمان مبارز سالها زحمت سلامت بخورد
باشد و در چیز و در تر از توفیق برارد دل که برود آزادگان بلند نام
رست نصیب تمام یابد. غلامحسین صدیقی

میخواهم نوده های بشوم

بمن مربوط نیست که سران حزب توده تا بحال چندین بار در مواقع حساس از در شمالی فرار کرده اند، بمن مربوط نیست اگر حزب توده چوب لای چرخ نهضت ملی دکتر مصدق گذاشت، بمن ربطی ندارد، که حزب توده وابسته است. بمن چه که حزب توده آنقدر پول دارد که پنهانی سهام بعضی از روزنامه ها را میخرد، بمن چه که موسس حزب توده یک بچه فتوادل بوده یا نبوده، و حزب توده آنقدر وضعیت روشن است که ساختمانی بآن گرانی برای مقرر خویشاوند انتخاب کرده اما در میتینگ ها صندوق ندارم و کمک دور میچرخاند.

من می خواهم توده ای شوم و تصمیمم را هم گرفته ام، کاری بدین ندارم که تأیید حزب توده از اسلام توهینی است هم به اسلام و هم به مارکسیسم، من فقط تصمیم گرفته ام توده ای بشوم، چرا؟

برای اینکه تاریخ نشان داده هر که در این مملکت گفت صحیح است احسنت و دم از انتقاد فرو بست راحت و آسوده بار خود را می بندد، با این احوال بمن حق نمیدهد که منم عضو حزب توده بشوم و با این کار عادت انتقاد را از سر خودم بیندازم و طبق توصیه دوستان شروع به تأیید بکنم و احسنت گوی جریانات روز باشم؟

ع - ی

آگهی تغییرات در شرکت ایران میتکوبامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۱۴۱۳

برابر صورت جلسه مجمع فوق العاده شرکا مورخ ۱۳۵۸/۴/۲ تغییرات زیر در شرکت مذکور به عمل آمده است.

۱- آقایان مهدیقلی - سعید - حمید همگی (فتحی) و خانم پریدخت امیرنیرومند هر یک سرمایه خود را افزایش دادند که در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیون ریال به مبلغ شصت میلیون ریال افزایش یافت و ماده ۷ اساسنامه بشرح زیر اصلاح گردید.

۲- ماده ۷ اصلاحی (سرمایه شرکت مبلغ شصت میلیون ریال نقدی است که تماما "پرداخت شده است)

۳- شرکا فعلی و سهم الشرکه هر یک بشرح زیر است:

مهدیقلی فتحی مبلغ سه میلیون ریال - آقای حمید فتحی دوازده میلیون ریال، آقای سعید فتحی چهار میلیون ریال و خانم پریدخت امیرنیرومند مبلغ پنج میلیون ریال، ضمنا "اضافه سرمایه به هیئت مدیره تحویل گردیده است.

۴۵۷/م الف ش - ۱۷۴

مسئول ثبت شرکتها ثبت اصفهان
عبدالحسین فزوه

آگهی انحصار وراثت: بسمه تعالی

دولت موقت انقلاب جمهوری اسلامی ایران
دادگستری تربیت جام
آقای اسداله کلالی فرزند حبیب اله ساکن تربت جام دادخواستی بخواسته صدور گواهی انحصار وراثت بابت دادگاه تقدیم نموده که بکلاسه ۲-۷-۵۷ شهرستان تربت جام ثبت و در جریان رسیدگی قرار گرفته و چنین توضیح داده است که آقای حبیب اله کلالی فرزند اسداله در تاریخ ۵۷/۸/۲۸ در تهران فوت نموده و وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- آقای منوچهر کلالی دارای شناسنامه شماره ۲۳۷۵۰ صادره مشهد ۲- سیاوش کلالی شناسنامه شماره ۱۰۷۲۲ محمودآباد علیا ۳- اسداله کلالی شناسنامه ۵۲۶ مشهد ۴- پریشو خانم کلالی شناسنامه شماره ۱۰۷۲۳ محمودآباد علیا فرزندان ۵- خانم ارم کلالی فرزند ابوالقاسم همسر دائمی متوفی غیر از نامبردگان وارثی نداشته و ندارد اینک مراتب سه نوبت متوالی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار کشور در سه نوبت متوالی ماهی یک مرتبه درج و منتشر میگردد تا هر کس اعتراضی یا وصیتنامه ای از متوفی در دست دارد مراتب را کتبا بدادگستری شهرستان تربت جام اعلام نماید و در صورت انقضای موعده گواهی لازم صادر و به هیچ نوع وصیت جز رسمی و سری ترتیب اثر داده نخواهد شد.

دادرس دادگاه شهرستان تربت جام - حسین نجف پور
۶۰۳۳ - م الف - آ ش ۱۴۹
۳ - ۲

آگهی تاسیس شرکت

خلاصه شرکتنامه و اساسنامه شرکت کارپروه با مسئولیت محدود که در تاریخ ۵۸/۴/۲۶ تحت شماره ۲۰۲۹ در این دایره ثبت رسیده است برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی کشور و یکی از جراید کثیرالانتشار محلی آگهی میشود.

۱- موضوع شرکت صادرات و واردات و منتاز و نصف ماشین آلات صنعتی حفاظت و نگهداری دستگاهها انجام کلیه امور تاسیساتی از قبیل شوقاز تهویه حرارت مرکزی یخ سازی لوله کشی شهری کلیه کارهای الکتریکی و الکترونیکی و اموری که بطور مستقیم و غیر مستقیم بموضوع شرکت مربوط شود از قبیل طرح محاسبه تاسیسات ساختمان و قبول و انجام نمایندگی

۲- مرکز اصلی اصفهان خیابان فردوسی ساختمان شماره ۲۴ طبقه سوم

۳- سرمایه شرکت یکمیلیون ریال میباشد که تماما پرداخت شده است.

۴- مدت شرکت از تاریخ ۵۸/۴/۱۹ بمدت نامحدود

۵- موسسین آقایان محمود زجاجی و احمد دهدشتی

۶- مدیران و صاحبان امضاء آقای احمد دهدشتی بسمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمود زجاجی بسمت مدیر عامل شرکت برای مدت نامحدود انتخاب شدند و کلیه اوراق و اسناد و تعهدات شرکت با امضاء مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره متفقا و با مهر شرکت معتبر است.

عبدالحسین فزوه. مسئول ثبت شرکتها ثبت اصفهان
۴۸۲ م الف. آ ش ۱۸۵

خدمات آموزشی ما چگونه آغاز و پایان یافت

گفتگویی در باره رویه پرخاش و گروه "جاما"

مقدمای کوتاه

روزنامه ما از بدو انتشار بر آن بوده است که حتی المقدور از طرح مسائل که ذره‌ای تصور نظرات شخصی در آن متصور است احتراز کند بنابراین با همه بی مهربی‌هایی که از مقامات آموزشی کشور مشاهده کرده ایم تاکنون از طرح هرگونه موضوعی که در ارتباط با خودمان بوده است خودداری کرده ایم ولی از آنجا که کارسکوت ما موجب سوء تفاهم‌هایی گشته و بیگفته دوستان پرخاش کم‌کم مساله هم از حد موضوع شخصی خارج شده است با اجازه خوانندگان گزارشی در این زمینه باطلاع میرسانم .

مدیر پرخاش و خدمات آموزشی

نگارنده از سال ۱۳۳۶ و بمجرد تخفیف مشکلات سیاسی ، تدریس در مدارس تهران را جایگزین تحریر قرار داد و در سال ۱۳۵۲ با کمک تنی چند از فرهنگیان حقا خوشنام توفیق حاصل کرد که مدرسه عالی کورش کبیر را که در زمان خود در میان مدارس عالی نمونه بود بزادگاه خود تقدیم دارد که حسب دستورالتشید نصیری معدوم دستور عدم مداخله من و خانواده ام در این مدرسه صادر و با یک توطئه همه جانبه که مهندس روحانی وزیر معدوم و اکبرزاد و قاسم معتمدی مجری آن بودند مدرسه‌ای را که با خون دل ساخته و پرداخته بودیم بوسیله گارد دانشگاه اشغال و از طرف سازمان امنیت ابلاغ کردند که اقامت این بنده در اصفهان مخالف انتظامات شهر و دانشگاه اصفهان است. در همین ایام برای ازپا در آوردن قطعی من و همکارانم آگهی ملی کردن ساختمانهای مدرسه‌های را که با مبالغ قابل توجهی قرض ساخته شده بود منتشر و باکمال وقاحت مدرسه ساخته شده را جنگل و مرتع اعلام کردند که در این مقام از بحث در باره آن میگذریم .

نظر ما در باره همفکران جاما

قبل از ادامه بحث باید نظر خود را در باره گروه همفکران جاما که اکنون در دولت اقلا سه وزیر دارند عنوان کنیم نظریه‌ای که می‌تواند شامل دولت بازرگان هم باشد باین شرح که این حضرات مسلما از مردم خوب کشور ما هستند سوابق مبارزاتی کم یاز بادی حسب توانائی شان دارند شخصیت‌های واقعا صحیح‌العملی هستند و در اینگونه موارد هرگاه یکی از این حضرات کج سلیقه یا خدای ناکرده مغرض از آب در بیاید بسیار خطرناک میشود چه بلاحظت اجتماعی و سیاسی کسی نمیتواند با آنها بستیز بر خیزد و این مردم کج سلیقه هم چون بکار بد خود اعتقاد دارند لجاج میکنند و حتی کار را بدرجه‌ای میرسانند که هر مظلومی آرزو میکند کاش وزرای سابق که فاقد همه صلاحیت‌ها بودند طرف قضیه قرار میگرفتند که بشود بانگ اعتراض را بر علیه شان بلند کرد بهمین دلیل ما که بر علیه خوبترین وزیر کابینه و چشم و چراغشان بهنگام لزوم شدیدترین حملات را داشته ایم در باره این کج سلیقه‌ها تاکنون سکوت کرده ایم .

انستیتو کورش کبیر

پس از ایفای به مدرسه عالی کورش کبیر تحت تاثیر حس مقاومت که در برابر حکومت در ما ایجاد شده بود و بمنظور براه انداختن تاسیساتی که حضرات جنگلش کرده بودند پس از دوسال دوندگی موفق شدیم اجازه تاسیس انستیتوی در سطح فوق دیپلم از شورای آموزش و پرورش اصفهان دریافت کنیم و این اجازه هنگامی صادر شد که کار انقلاب بالا گرفته بود ، زادا اصفهان رفته بود و مهندس روحانی وقاسم معتمدی هم سرکار و اصفهان نبودند . امتیاز این موسسه بنام آقای مهندس ابراهیم طاهرباریان که از فرهنگیان صدیق و خوشنام است صادر شد و درست هنگامی بود که دکتر گنجی وزارت آموزش و پرورش و علوم را باهم اداره میکرد و بعنوان واگذاری اختیارات شهرستانها و اصل عدم تمرکز اجازه مدارس تا فوق دیپلم را باستانها داده بود .

مداخله وزارت علوم

هنگامی که کابینه آموزگار هم مرخص شد و دکتر نهانوندی را بوزارت علوم آوردند بجهت کلاه‌دوزی که افتخار خود و پدرش کلاه‌دوزی برای رضاخان و خانواده او بود بریاست دبیرخانه شورای گسترش منصوب شده و چون بخیال خود با گنجی اختلاف حساب داشت با تهیه گزارشی بدکتر نهانوندی اعلام کرد که وزارت آموزش و پرورش در امور آموزش عالی مداخله کرده است و در نتیجه وزارت آموزش و پرورش که صادر کننده امتیاز مدرسه بود بمدیر مدرسه ابلاغ کرد که برای انجام امور و تطبیق ضوابط آموزشی بوزارت علوم مراجعه کند این دستور هنگامی ابلاغ شد که مدرسه با موافقت سازمان سنجش آموزش کشور (که تابع وزارت علوم و رئیسش معاون وزارت علوم بود) دانشجویان خود را انتخاب و کار خود را آغاز کرده بود و مدیر مدرسه هم بلافاصله بوزارت علوم مراجعه و تقاضای تجدید امتیاز خود را تسلیم کرد .

بمحمدالله انقلاب پیروز شد

با پیروزی انقلاب طبعا جوانان دانشجویان درصداستفاده از آزادی برآمدند و خواسته‌های خود را عنوان کردند که اهم آنها ندادن شهریه و اجازه تحصیل در دوره لیسانس بود و برای انجام خواسته‌های خود بمقامات مربوطه مراجعه کردند .

تدبیر وزیر علوم و تحریک دانشجویان

یکی از مشخصات آقای دکتر شریعتمداری غیر از تند خوئی و عصبانیت نظر میرسد فرار کردن از برابر مشکلات باشد . ایشان یا توانائی حل این قبیل مشکلات کوچک دانشجویان را ندارند و یا چون از اصفهان تشریف آورده‌اند از اینکه جماعتی ناباب در برابر دانشگاه اصفهان عرض اندام کرده‌اند دلخوش نیستند و شاید بدین لحاظ است که ایشان در جواب دانشجویان و بدون رسیدگی اعلام میکند اساسا این مدرسه بدون اجازه افتتاح شده است و برای تکمیل کار بلافاصله تلفن را بر میدارند و باستاندار وقت اصفهان شفاهتا مطلب را بهمین ترتیب ابلاغ میکنند - این بنده واقعا از تذکر مجدد این مساله بخصوص شخصا ناراحت میشوم ولی ناچار باید گفت استاندار سابق اصفهان که سابقه ضعف اعصاب هم دارد

و اخیرا هم دوباره بیماریش عود کرده و بستری بود و تحت تاثیر بعضی از سرمایه داران اصفهانی که معاشرینش بودند قراردادش فوراً نامهای مرقوم میفرمایند که مدرسه عالی کورش کبیر امتیاز ندارد و بدست دانشجویان میدهند و آنها را راهی دادسرای انقلاب میکنند که از این مرحله نیز فعلا میگذریم . نگارنده برای رفع سوء تفاهم شرحی به آقای دکتر شریعتمداری وزیر علوم نگاشتم و ضمن اینکه اعلام داشتم بنده در مدرسه هیچگونه سمت اجرائی ندارم و فقط مرتکب گناه کبیره ساختن مدرسه شده‌ام از ایشان خواستم بنام وزیر علوم کمی ببینند و اگر موری در طاس لغزیده است برایش چاره‌ای بفرمایند ایشان در جواب نامه صافانه مخلص باز هم همان اباطیلی که آن بچه کلاه‌دوز باستانی در پرونده چپانده بود روی کاغذ آوردند و برخلاف عقل و تدبیر و انصاف از نامه‌های که میان من و ایشان رد و بدل شده بودند نسخه‌ای برای تحریک بیشتر دانشجویان باصفهان فرستادند آنهم مطلبی خلاف حقیقت که بدون رسیدگی نوشته شده بود و آتش به هیزم دانشجوی ساده دل میزد . از این هم میگذریم .

اولین دیدار با وزیر علوم و تقاضای تعقیب تبهکاران - قابل توجه آقای دکتر سامی و همکاران جاما

شاید تذکر این مطلب نیز بروشن شدن موضوع کمک کند که در پیرو انتخاب آقای دکتر شریعتمداری بوزارت علوم در معیت آقایان دکتر قریب موسس مدرسه عالی علوم اراک - دکتر صوفی موسس مدرسه عالی بازرگانی رشت - دکتر علی اقبالی موسس مدرسه عالی کشاورزی همدان - دکتر ضیائی بیگدلی موسس مدرسه عالی قضائی قم - و تنی دیگری بدارایشان رفتیم و چنانچه در شماره‌های گذشته پرخاش ملاحظه کرده‌اند وقتی صحبت از تعقیب مسئولان آموزشی کشور بمیان آمد آقای وزیر علوم چنان عصبانی شده و با مشت روی میز کوبیدند که گوئی رو در رو بشخص ایشان اهانت شده است بنصورت ما کج تابی آقای دکتر شریعتمداری با مدارس عالی خصوصی و بالاخص بنیاد کورش کبیر از این روز آغاز شد و ما هر چه نرمتر رانیدیم ایشان خشن‌تر رفتار کردند . حرف اصولی را با غرض نیالائید بنا بگزارش بالا چون ما کشور را در حالت بلاتکلیفی احساس میکنیم این گزارش را برای استحضار ملت ایران بطبع رساندیم تا اگر ما و همکارانمان که بهر حال ایرانی هستیم و سوابقی در کارهای آموزشی واجتماعی داریم گفتیم در این کشور که پانصد هزار نفر داوطلب تحصیلات عالی بقیه در صفحه ۷

قسمت (۳)

خاندان سوپراستعمار علم

امیر علم خان (وکیل الدوله)

اندکی بعد اسماعیل خان خزیمه می‌میرد و جای خود را به پسرش که از راه پدر به سردار افشار معرفی شده بود میدهد . گلستانه در این مورد چنین می‌نویسد (امیر علم خان پسر اسماعیل خان خزیمه که بعد از فوت والده همیشماز طفولیت ملتزم رگاب نادرشاه و تربیت یافته آن

گرفته ، بدست شاهرخ میرزا پسر رضاقلی میرزا و نواده نادر دادند ، این جوان بنام شاهرخ شاه بر جایگاه شاهی نشست . امیر علم خان دید در این حکومت ، محلی از اعراب نیست و چون همانطور که گفتیم آدمی بی پرنسیب و دسیسه‌گر بود ، باتنی چند از منتقدان و سرداران به سال (۱۱۶۲) توطئه کرد .

سالهای اول قرن ۱۹ برای استعمار انگلیس در خاور زمین روزهای سرنوشت‌سار و حساسی می‌بود ، چه در این سالها مردانی

زمان شاه درانی ، فرمان ضد استعماری شرق

ظل اله و بوفور عقل و کبایت موصوف بنده تدبیر و شعور بین الامم مشهور آفاق و از جمیع سرکردگان خراسان در مرتبه جمعیت طاق بود) این نویسنده در دیگرجا امیر علم را (مردی هوشیار) معرفی می‌کند ولی با مداد مورخ معروف درباره او معتقد است (امیر علم خان ، جنگاور ، رزم‌دیده ، زیرک و خونخوار لکن تدبیر و مدیریت چندانی در کار نداشته و بواسطه همین نقیصه کارش زیاد پیشرفت نکرد و سرانجام به نیستی او منتهی شده است) امیر علم خان گذشته از خصلتهای بالا پیرو سیاست ایورتونیستی می‌بود با یک زیرکی مودیان و خدعه گرانه قدرتها را سبک و سنگین می‌کرد ، هر طرف را قویتر می‌دید با نسومی گرائید چنانچه به سال ۱۱۵۷ با محمد علیخان قزقلو و امامقلی خان ایبوردی طرح کودتایی علیه نادر ریخت ولی خود ماجرای این توطئه را به سردار افشار خیر داد در نتیجه دو کودتاچی را کور کردند ولی خود او مقربتر شد و مقامش نزد پادشاه بالاتر رفت . میدانیم بعد از نادرشاه ابتدا حکومت بدست توطئه‌چیان ضد نادری افتاد ، در زمان عادلشاه شخصی بنام میرسید محمد که از سوی مادر به صفویان می‌رسیده تولیت آستانه رضوی و صدارت منصوب شد .

نیرومند و حق طلب و جنگاور در غرب و شرق یافت شده بودند که اگر دشواریها و موانعی بر سر راه آنان پیدا نمی‌شد شرق می‌توانست از یکدسیسه بزرگ استعماری بر همدان بنده‌های بردگی بردست و پای خاور گذاشته شود . ناپلئون ، پل تزار روسیه تیبو سلطان و زمانشاه زنجیره دفاعی ضد استعماری بوجود آورده بودند که با نزدیکی و تفاهم بیکی دیگر میرفت استعمار انگلیس از هند و ایران و اقیانوس هند و خلیج فارس رانده شود .

زمانشاه درانی پسر احمد درانی ، رهبر شجاع و کارگشته برای افغانستان ، خصم بی‌امان استعمار در شرق می‌بود هدفش پاک‌سازی شرق ، کوتاه کردن دست استعمارگران انگلیسی بود اسناد نو یافته ارزش واقعی شخصیت ضد استعماری وی را در وحشت انگلیسیها از مبارزات او به خوبی نشان میدهد .

سردار ملکم در باره زمانشاه می‌نویسد "اوسی هزار سواره نظام و دو هزار پیاده دارد . . . اگر مصمم به قشون کشی مهمی بشود می‌تواند قشون خود را تا یکصد هزار بالا ببرد بخصوص که منظور هندوستان باشد " ال فیتون فرمانروای انگلیسی بمبئی او را یک دشمن بی‌امان و آشتی ناپذیر

استعمار معرفی می‌کند . دسیسه بزرگ استعمار و بمزور گرفتن گماشتگان منطقه‌ای موجب شد زمانشاه کور گردد . تیبو سلطان از میان رفت ، استعمار انگلیس از یک خطر قطعی و حتمی رهایی یافت . حال به بینیم چه کسانی به این فاجعه کمک کردند تاریخچه آغاز پیدایش عمال استعمار نخستین کارپردازان در بین بیگانه‌ها را بدین در همین سالها شمرده که بنیاد این سیاست بدست (ژرژ سوم) پادشاه آرمند بریتانیا ریخته شد ، کمپانی هند شرقی و انگلستان در گرماگرم این مبارزات ضد استعماری یکی از زیرکترین عمال خود را به ایران فرستاد ، و بدست او بود که نخستین سنگ بنای بردگی سیاسی در ایران نهاده شد . سرجان ملکم کسی بود که از سیزده سالگی داخل در خدمت سپاه استعمار

کمپانی شرق شد ، چگونگی ورود و پذیرش او در این آزمون خود ما جزای شنیدنی دارد . اندیشه‌های اهریمنی این عامل سرسپرده استعمار را در این سالها می‌توان خواند کتاب (مشاهدات او در ایران) بخوبی پرده از روی این دسایس برمی‌گردد . سرجان ملکم در سفر دور و دراز خود از بوشهر تا تهران بهر ده و روستا میرسد مدتی اقامت کرده و جاسوسی در آجاها می‌نشانند و در واقع او بود که شبکه جاسوسی و خبررسانی و آنتریک را میان همه مردم و عشایر پهن می‌کند ایران را زیر چتر سیاه استعمار قرار میدهد چتریکه دو بیست سال بود نگهبان نفوذ سیاه بیگانه در ایران می‌بود .

پایگاه استعماری

نقشه‌نابودی زمانشاه قهرمان ضد استعماری در شرق از دوسو داخل و خارج افغان طرح گردید ایران حلقه مهمی در زنجیره دفاعی استعمار بود اگر این حلقه شکسته شود فاصله بین عثمانی و روسیه و شیخ‌نشینهای عرب می‌افتد و با

ایگاری در ایران

تجهیز و تسلیح این سنگرمی توان زمانشاه را از مرزهای هند برگرداند و دشمنان زمانشاه را در این سنگر جایگزین کرد . سرجان ملکم با کمک اعتماد الدوله شیرازی (ابراهیم کلانتر) صدراعظم یهودی‌نسل در زانویه ۱۸۵۱ (شعبان ۱۲۱۵) قرارداد ننگینی با ایران می‌بندد و با خرج دو میلیون روبیه ایران پایگاه و کانون آنتریک علیه زمانشاه می‌شود . باین آماده سازی نیروی ناگهان محمود درانی و قیروز درانی شاهرادگان استعمارگرا فغانی به ایران رومی آوردند ، و در این سنگر برای نابودی زمانشاه ضد استعمار جای می‌گیرند . زمانشاه قهرمان ضد استعمار شرق که مردم استعمار زده هند او را ناچی خود می‌نامیدند با قوای جنگاور و بندگسل خود بر انگلیسها در هند تاخت ، در حال نبرد و پیشروی بود که ابتداء سیه عمال درانی با قیام قبیله خود فروخته‌سبکها بسرداری (رنجیت سنگه) آغاز شد زمانشاه ناگزیر

دست از جنگ کشید ، خود را با کابل رسانید . بیخبر از اینکه نقشه استعمار برای نابودی او بسیار کامل بود ، او را در دام مرگ قرار داد . از سوی ایران قوای فتحعلیشاه با کمک عشایر خراسان بسرداری شاهزادگان افغانی وارد خاک افغانستان شد بقول ارنولد فلیچر : زمانشاه در میان دو موج خوردکننده و سنگین دسایس شرق و غرب گیر کرد ، دیگر مجال نجات از این محاصره استعماری نیافت ، شکست خورد و اسیر شد کور گردید و بقول ویلیام کی :

کسیکه قدرت او حکومت انگلیسی هند را به هراس انداخته بود اینچنین کار او ساخته شد و باینتر تیبو وحشت (ضد امپریالیستی زمانشاه) در هند پایان یافت .

ناتمام

مراقب باشید ۲۸ مرداد دیگری تکرار نشود

از ناصر نجمی

آقای بازرگان، من بعنوان یک همکار قدیم که مدت سه ماه و چند روز بهنگام خلع ید از شرکت غاصب نفت در آبادان و خرمشهر در کنار شما بودم و مشترکاً انگلیسها را از آبادان رانیدیم با شما گفتگو میکنم و ناگزیرم در این روزهای حساس و دقیق تاریخی که انقلاب ما برای بهره‌مند شدن از مبارزات دلیرانه فرزندان شما خونها نثار کرد و حالا یک دولت قدرتمند قاطع نیاز دارد بشما

یادآور نکاتی شوم که شاید دیگران برآزش را نداشته‌اند. شما خوب میدانید و خود را بهتر از هر کس میشناسید که مردی با صداقت و باتقوای سیاسی و آسیب ناپذیرید. اما شخصی ضعیف و ناتوان و زیاده از حد با نرمش و بیخسید، بی‌تصمیم در روزهای خطیر هستید، وقتی ضعف و درماندگی تا به اضعاف مضاعف میرسد که روزگار حادثه خیز انقلابی در برابرتان

قرار داشته و بزعم خودتان مراکز تصمیم‌گیری متعدد در کار باشد اقتضای طبع و فطرت خود معمولاً و هر روز هم همچون روزگاران از دو خصیصه برخوردارند، اول ملوک الطوائفی گذشته هر کس دم قدرت، دوم امکانات اجرایی. گوی در کف و تفنگی بردوش دارد قدرت که در عرف فرنگیها (اول بنوعی در حکومت بی‌رنگ و روغن توریته) است عبارت است از عوامل شما مداخله میکند و در گوشه ای و عناصر متشکله‌ای که دولت را در از کشور کوس لمن الملکی میزند از قلمرو فرمانروایی خود مسلط همه بدتر اینکه در این شرایط میگردد، قسمت دوم که امکانات و زمان و مکان خاصه که مملکت نیازمند اجرائی است، اولی نیروها و بازوهای توانا و مغزهای روشن و عواملی انسانی و بعد وسایل و اندیشه‌های بدیع و مردان مجرب ابزار کار برای حرکت در آوردن پخته و سرد و گرم روزگار چشمه چرخهای اقتصادی و اجتماعی است شما بدست خودتان مردان اداری مملکت است و این هر دو، کارآمد و ورزیده و آگاه را بنام ضامن دوام و قوام و استحکام و تصویب نامه و تحت عنوان سی ان اسجام یک دولت و حکومت بشمار سال خدمت و رسیدن به مرزباز- میروند. حالا ببینیم در مورد نشستگی از دستگاههای متزلزل و حکومت شما این دو رکن و عامل در مانده می‌مانند تقریباً درست اساسی به مفهوم واقعی کلمه وجود در دقیق و روزهایی که توطئه خارجی دارد؟ متأسفانه همانطور که پشت توطئه و دسیسه بدنبال دسیسه قبلاً" عرض کردم، خیر، شما بنا بر تمامیت و موجودیت ما را تهدید بدلالی که خودتان هم بارها میکنید و شما به مردان ورزیده و گفته‌اید نه قدرت واقعی و کافی را کارآمد نیازمندید همه را بدست برای تسلط بر ارگانهای مملکت خود از کادریهای اداری بیرون دارید و نه نیروهای انسانی کار میریزید تا بظاهر. یا باصطلاح آمد و ابزار و وسائل مطمئن، از جماعت تازه‌ای راکه پشت‌دروازه‌های همه بدتر تزلزلی است که در کار ادارات مانده‌اند به دستگاههای سازمان‌ها خاصه سازمان ارتش و اداری مملکت که فعلاً صورت دارد- یافته و هر روز یکی دو مهره چه العجزه را پیدا کرده‌اند نمایندگان سازمان‌های اداری و چهارگانه‌ی و این کلنگی است که دستهای عوض میشوند و جای خود را به مرموز در دست شما داده‌اند تا دیگری میدهند و آیا این ارشادات با آن ستونها و پایه‌های و قوام دستگاههای اداری و نظامی بی‌بنیان را که بر روی زمین‌ها و راه‌ها که شرط اصلی تداوم انقلاب نهادهای دوران طاغوت نباشد ماند است برهم نمی‌زند؟

دودمان پهلوی و سیستم‌های فضیلت‌کش، ردیلت پرور، نسل مردان شجاع و با شخصیت و کاردان به تباهی و زوال و انقراض کشانده شد، چون هیچ دیکتاتور مطلق العنان و مستبدی نمی‌تواند در دستگاه فرمانروایی فعال ما پیشاثرانه خود افراد با شخصیت و با شهامت را تحمل نماید و متأسفانه در این شرایطی که نیروهای اهریمنی توطئه‌گر هر روز حادثه می‌فرینند و جنگ برادر کشی برامیاندازند و مملکت و انقلاب ما بیش از هر نمائید. خیر، و آیا در داخل زمان دیگر به افراد موثر و مصمم یارای آنرا دارید که بموقع تحریکات و بی پروا نیاز دارد، شما ازین موهبت بزرگ تقریباً محرومید و باز هم خیر، مراقب باشید این خلاء مهم و نقطه ضعفی در تحریک دیگر، یک ۲۸ مرداد دیگر در شرف تکوین است، یعنی دشمنان آقای بازرگان، موقعیت ما میخواهند آنرا از قوه به فعل حساس است و خطر تجزیه و دشمنی در آورند، و بدبختانه ضعف با انقلاب هر روز آشکارتر میگردد، دستگاههای مسئول، آشفتنگی، از همه جا خبرهای نگران‌کننده و اختلاف و چند سنگی گروها و تشویش آور بگوش میرسد، مقداری هم ناراضی مردم از ادامه دسیسه‌گران هر روز گستاخ و بی و تداوم بی‌نظمی و لحام گسیختگی پروا تر میشوند و یک گام بجلوب و مهمتر از همه فقدان مردانی میدانند و متأسفانه دستگاههای هوشیار و تصمیم گیر و کاردان که مسئول اداری هم نه قدرت کافی باچشمائی باز مراقب همه جا باشند برای درهم شکستن دسیسه‌های و همه چیز را زیر نظر داشته باشند مملکت برپا داده دارند و نه دشمن را شاد و مردم را نگران کرده هوشیاری و بیداری ضروری را، با است، باید تا دیر نشده هر چه این کیفیت آیا خوش خیالی من زودتر بجنبید و مردان کارزار دیده و شما و خطر جدی را نادیده انگاشتن و مجرب را پیدا کنید. آنها را مصلحت است؟ دشمن چه در داخل بر امور حاکم گردانید و خاصه در و چه در خارج مانور میکند، پول دستگاههای انتظامی و ارتشی افراد خرج مینماید، از پولهای غارت مؤثر و تصمیم گیر بگمارید، در شده و به بعمار فته ملت باج میدهد، غیر این صورت خطر فاجعه ۲۸ ریخت و پاش میکند، این و آن مرداد همچنان رخسار مینماید و را میخرد، ماجراجویان بین - تمامیت و استقلال و حاکمیت ملی المللی را بخدمت در میآورد، و از همه بالاتر انقلاب ما را تهدید روزنامه‌ها و مجلات خارجی را بر نماید. آن میدارد که بر علیه انقلاب ایران

از کاظمی خلخالی

چگونه فلسطین تقسیم شد

قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین که در نوامبر سال ۱۹۴۷ بر خلاف تمایل اعراب صادر شد جا برانه ترین و ننگین ترین سند علیه حقوق مسلم اعراب فلسطین در تاریخ بشر ضبط شده است.

بقضاوت مردم آن زمان و نسلهای آینده قطعنامه صادره از مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین میان اعراب و یهود خواه از حیث مبداء تقسیم و خواه از لحاظ روش تقسیم هر دو ستم علنی بملت فلسطین تلقی شده است.

اما از حیث مبداء تقسیم، شک نیست که فکر تقسیم کشوری در میان ساکنین اصلی آن کشور و تعدادی از مهاجرین که حکومت قیمومت بریتانیا بر خلاف تمایل مردم به آنان اجازه ورود به فلسطین داد بر خلاف موازین عدالت و قوانین بین المللی و خواسته اکثریت مردم فلسطین میباشد. زیرا استدلال به اینکه اجداد مهاجرین ۹ هزار سال قبل در این سرزمین ساکن بوده‌اند با توجه به اینکه این مهاجرین اخلاف آن یهودیان نیستند - فکر غلط و غیر منطقی است که بهیچوجه با موازین عدالت و دموکراسی انطباق ندارد. وانگهی مجاز جلوه دادن مبداء تقسیم خواه بر اساس تعداد ساکنین یهود و یا بر طبق مالکیت آنان به آن سرزمین هر دو برخلاف قضاوت عقل و منطق میباشد. چون از لحاظ تعداد ساکنین یهود در فلسطین در سال ۱۹۴۷ کمتر از مجموع ساکنین آنجا بوده و یکدهم این یک سوم هم جزو ساکنین اصلی بوده‌اند. که از سالیان دراز در آن سرزمین رشد و نمو کرده‌اند. در حالیکه آنان بزبان عرب تکلم مینمودند و امور دینی خود را آزادانه انجام میدادند. وجود این تعداد قلیل کمک بمشروع نمودن تقسیم فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل نمیکند. اما بقیه ساکنین یهود - بیشتر آنان مهاجرینی بوده‌اند که اغلب آنها از (هلند - روس - اروپای شرقی) به فلسطین وارد شده‌اند. تنها یک سوم این مهاجرین فلسطینی الاصل بودند - بقیه یهودیان که امروز در فلسطین زندگی میکنند بیگانه و مهاجرینی بوده‌اند که اصلشان از ملتهای دیگر محسوب میشود.

در هیچ جای دنیا بجز فلسطین دیده نشده که بمهاجرین بیگانه اجازه داده شود تا سلامتی و آرامش جامعه‌ای را که برای زندگی در آنجا اقامت داشته‌اند بهم بزنند.

و ما در آینده نزدیک در ملحقات شماره ۱۱ این کتاب در باره نتایج قانونی ناشی از اقدامات یهودیان بیگانه در فلسطین که در سال ۱۹۴۷ باعث قیام علنی دولت اسرائیل شد بحث خواهیم کرد.

با توجه بمطالب بالا روشن میشود که دولت پیشنهادی یهودی خواهد توانست بزودی مجموع ساکنین آن حدود را که بالغ بر (۱۰۵۰۸۸۰۰ نفر) میشد و از این تعداد (۵۰۹۲۸۰ نفر) اعراب و (۴۹۹۶۰۲۰ نفر) یهودی بودند - در زیر سلطه خویش جمع کند. بعبارت دیگر از ابتدای کار در دولت پیشنهادی یهودی اکثریت با اعراب خواهد بود. بدینجهت بود که کمسیون فرعی دوم " اقدامات کمسیون اصلی ویژه فلسطین را که از جانب سازمان ملل متحد تعیین شده بود - در مورد (ایجاد دولت یهود در سرزمینی که ساکنین بیشتر آن عرب هستند) - تنقید کرده با تحلیل تفصیلی از تعداد ساکنان عرب و یهود در دولت پیشنهادی اسرائیل در سه قسمت چنین توضیح میدهد.

(شاید مفیدترین نظریه در تکوین نسبی اعراب و یهود در مناطق سه گانه که مجموع مساحت اراضی دولت پیشنهادی یهود را تشکیل میدهند این باشد که بگوئیم - در قسمت جنوبی (بئر السبع) در مقابل تعداد (۱۰۳/۸۲۰ نفر) عرب فقط (۱۰۲۰ نفر) یهود ساکن است - یعنی نسبت تعداد ساکنین یهود در این منطقه از هفت یک درصد هم کمتر از تعداد ساکنین عرب میباشد. چیزیکه باعث تعجب و وحشت میشود اینست که بیشتر کمیسیونهای سازمان ملل متحد بهیروی از نظریه کمسیون ویژه فلسطین توصیه کنند که (سرزمینهای مخصوص عرب را که همه ساکنینش اعراب هستند در دست در تحت سیطره دولت یهود بگذارند. اگر چه تعداد یهودیان در این منطقه از یک درصد ساکنین آنجا هم کمتر باشند) - زیرا بررسی حوادث آن زمان، نشان میدهد که همه این اقدامات بر خلاف خواسته و مصالح ملی اعراب بود که ۹۹ درصد ساکنین آن منطقه را تشکیل میدادند. و ما در مقاله‌های بعد علل این عمل را که چرا سازمان ملل متحد که هدف اصلی از پیدایش آن جلوگیری از اعمال قدرت و حفظ حقوق ملتها بوده بر خلاف موازین دموکراسی و اهداف اصلی اش چنین اعمال مستغزانه در مورد مردم فلسطین تن در داد ؟!

پرخاش در شهرستانهای زیر:

شهرضا - آبادیه - شاهین شهر - شهرکرد - نجف آباد

به نماینده و خبرنگار فعال احتیاج دارد. علاقه‌مندان با دفتر روزنامه در تهران مکاتبه فرمایند.

بقلم سید جمال الدین اسدآبادی

داد از دست گران فروشان

از عزروالوثقی

میثاق اجتماعی برنده‌ترین حربه در مبارزه با گران فروشان و فرصت طلبان طمعکار و حریص میباشد.

زیرا بطوریکه مشاهده میشود پس از باروری انقلاب اسلامی هر روز تعداد زیادی احزاب - انجمنها بوجود آمده مردم را بسوی مسلک و ایده خود دعوت میکنند. گردانندگان این احزاب و اجتماعات میتوانند پیروان مسلک خود را وادار به میثاق اجتماعی نمایند و از آنان بخواهند بطور دستجمعی مدتی از خرید میوه و یا لوازم تقنی خودداری کنند. زیرا همه میدانیم اگر خانواده‌ها چند روزی میوه نخورند و یا اشیاء لوکس و تجملی را نخرند نه تنها زیان نمی‌بینند بلکه فروشندگان را هم متنه میسازند. چنانکه می‌بینیم بیشتر جوامع مترقی اروپا برای مبارزه با غارتگران از همین روش استفاده میکنند.

هم مینهان گرامی باید از گذشته عبرت بگیرند متوجه‌این نکته‌باشند که قبل از انقلاب عدم اتحاد و نداشتن میثاق اجتماعی سبب شده بود عده معدودی میهن فروش بجان و مال مردم مسلط شده از بی‌تفاوتی و تفرقه افراد جامعه سوء استفاده نموده جیبهای خود را پر کرده بخارج رفتند و اکنون بریش ملت میخندند. حالا که کشور ما در نقطه عطف تاریخ قرار گرفته و ما توانسته‌ایم با گره کردن مشت‌هایمان بیکدیگر بزرگترین قدرت طاغوتی را از میان بداریم - بسیار بجاست که اکنون هم همان مشت‌ها را برای گران فروشان و فرصت طلبان و نفع جویان بلند کنیم و با یک تصمیم قاطعانه و همگانی در برابر گران فروشان و تجزیه طلبان و ضد انقلابیون مبارزه کنیم. و اگر فردی را مشاهده کردیم که برخلاف این میثاق اجتماعی رفتار میکند و تفرقه می‌اندازد او را هم طرد کنیم و از احزاب و اجتماعات خود برانیم. اگر ما از این روش استفاده کنیم نه باطابق اصناف نیاز داریم و نه بدادگاه کفیرگران فروشان. ما که تا حال ثمرات تلخ نفاق و عدم میثاق اجتماعی را چشیده‌ایم و در اثر سکوت و تسلیم در برابر زورگویان و غارتگران همه چیز خود را از منابع ملی گرفته تا کشاورزی - دامداری - فرهنگ و معنویات اخلاقی خود را دست داده‌ایم حالا موقع آنست که بخود آغیم با گران فروشان و غارتگران همان کاری را بکنیم که استمکاران طاغوت کردیم.

"چرخ بر هم زنگ از عکس مرادم گردد - من نه آنم که ز بونی کشم از چرخ کیود. آری انسانها توانا تر از آن هستند که مشتی غارتگر با استفاده از وضع آشفته هر روز قیمت اجناس را بالا ببرند و جیبهای مردم مستضعف و زحمت کش این کشور را خالی نمایند. بررسی تاریخ ملل و اقوام گذشته این مسئله را ثابت کرده هر جامعه مسئول تعیین سرنوشت خود میباشد - و باید خود افراد آن جامعه دست اتحاد و یگانگی بهم داده در برابر هر متجاوز - ستمکار - گران فروش و غارتگر ایستادگی کنند. تجربه زندگی نشان داده عواملی که آدمهای نفع طلب و فرصت خواه را سر جای خود می‌نشانند سه تا است - نخست ایمان و اعتقاد راستین به مبداء غیبی و احکام دینی - ۲ - اعمال قدرت قانونی از طرف حکومت در برابر کسانی که میخواهند همه را فدای منافع مادی خود بکنند. ۳ - میثاق اجتماعی - یعنی داشتن حسن وحدت و یگانگی کامل افراد یک ملت هنگام تصمیم‌گیری در برابر استفاده جویان و جباران و نفع طلبان.

حال که در جامعه اسلامی ما کسانی یافت میشوند که در عین حال ادعای مسلمانی بخاطر بدست آوردن پول و ثروت زیاد پشت پا به احکام الهی میزنند و از مجازات و کیفری که خداوند برای گران فروشان و فرصت طلبان تعیین کرده نمیترسند - سبواسطه اشتغال مسئولین امر بکارهای مهم زمینه را برای غارت و چپاول مال مردم مساعد دیده روز بروز قیمت اجناس و ما بهحتاج مردم را بالا می‌برند و میخواهند مانند غارتگران گذشته هر چه زودتر جیبهای خود را پر کرده راهی دیار فرنگ شوند - وقت آن رسیده که مردم - با استفاده از این توصیه که (دست خداوند همراه جماعت است) و جامعه مظهر نیروی خداوندی میباشد دست بدست هم داده از سلاح برنده میثاق اجتماعی (یعنی تصمیم همگانی و جدی برای نخریدن از گران فروشان) استفاده کنند. البته این اقدام موقعی موثر و قاطع است که همه افراد جامعه در این تصمیم یکدل و یک جهت را سخ باشند. نه اینکه عده‌ای بگویند چون پول داریم می‌خریم. انجام این مبارزه در این هنگام بسیار آسانست

فرهنگ نخعی (ریمن سابق)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر مذهب شیعه جعفری اثنی عشری باشد

اسلام فقط میتواند در سیمای یکی از مذاهب اسلامی متجلی گردد. اسلام بمفهوم مطلق کلمه وجود ندارد.
تاریخ اسلام مشحون از مبارزه شیعیان در راه حق و عدل است.

واقعات علمی پیشروان و مجاهدان حقیق و حقیق و پاکباز شیعه تحققی پذیرفته و نتیجه همین مبارزات قلمی و قدیمی و زبانی بوده که سرانجام در زمان صفویه مذهب شیعه جعفری رسمیت یافت و معارف زنده و جاویدان آئین پاک تشیع که بطور نسبتاً جامع در کتاب "بحار الانوار" مندرج است در همین زمان اشاعه پیدا کرد و لازم بتوضیح نیست که برای دستیابی بحقایق تابناک مذهب تشیع باید باین کتاب گرانبها و این گنجینه ارزشمند و سایر کتب مخصوصاً اصولاربعه مراجعه نمود و از خلال سطور نورانی و درخشان آنها مذهب شیعه را شناخت.

۵- در تمام طول تاریخ اسلام که حکومتهای غیردینی بر جامعه مسلمین حکومت میکردند مخصوصاً دوران ننگین بنی امیه و بنی عباس پیروان سایر مذاهب غیر شیعی همواره سلطه این حکومتها را بعنوان ولایت اسلامی پذیرفته‌اند و تنها مذهب شیعه بارد این ولایت غیر الهی و با

و متحریران حقیقت میتوانند بکتب بسیاری که به زبانهای عربی و فارسی نگاشته شده مراجعه کنند تا حق را بیابند ولی بدلائل و جهات زیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر مذهب شیعه جعفری اثنی عشری باشد:

۱- سابقه موجود در قانون اساسی قبلی که بانهضت مشروطیت ایران تدوین و وسیله نمایندگان منتخب ملت ایران و در فضای آزاد آن زمان تصویب گردیده است. مثل مطلق و مقید - کل و جزء - جنس و نوع است و همانگونه که شناخت اشیاء و موضوعات بطور مطلق و کلی و جنس میسر نیست و در هر مورد باید بصورت مقید و جزئی و از نظر نوع مشخص شود اسلام مطلق و کلی نیز بالفعل وجود خارجی ندارد بطوریکه وقتی از نظر جامعه شناسی بخواهید جوامع اسلامی را بشناسید باید الزاماً و حتماً به مذاهب آنان توجه کنید.

بعنوان مثال علم یک حقیقت مطلق و کلی و جنس است و اگر کسی بگوید مشغول تحصیل علم است قطعاً از او خواهد پرسید کدام علم و چه رشته علمی بنابراین در شناخت اسلام چاره‌ای جز توجه بمذاهب نداریم و اینکه چرا مسلمانان در مکتب توحید قرآن و ندای وحدت اسلام به فرقه‌ها و مذاهب مختلف تقسیم شده‌اند از حوصله این مقاله خارج است و طالبان

۲- رسمیت مذهب شیعه جعفری اثنی عشری خواسته و حق مسلم اکثریت ملت ایران بوده که با روش دمکراتیک نیز قید این حق در قانون اساسی محرز و مسلم خواهد بود و بدیهی است که در این روش نظر اکثریت ولو مخالف با رای اقلیت باشد تحمیل بر آنان نخواهد بود مخصوصاً که آزادی پیروان سایر مذاهب اعم از سایر مسلمین غیر شیعه و یا ادیان دیگر مصون و محترم خواهد بود.

۳- رسمیت آئین تشیع در

اکنون که قانون اساسی ایران برای تحقق حاکمیت قانونی جمهوری اسلامی ایران در دست بررسی است و بخواست خداوند وبهت و کوشش علمای و دانشمندان بسا دقت و تنقیح لازم و کافی بتصویب خواهد رسید، بنظر نگارنده مهمترین مسأله‌ای که باید در این بررسی بدان توجه شود، موضوع رسمیت مذهب شیعه جعفری اثنی عشری است زیرا این امر جزء لاینفک اسلامی بودن رژیم حکومت ایران است و همانگونه که صفت اسلامی معرفت نوع جمهوری برای ایران است مذهب جعفری نیز موصوف اسلامی را توصیف مینماید.

شاید در این مورد گفته شود که برای بیان مقصود همان کلمه اسلامی کافی است و نیازی بتصریح رسمیت مذهب جعفری و شیعه اثنی عشری نیست. البته اگر در جامعه اسلامی جهان، اسلام بطور مطلق وجود میداشت و اسلامی جدا و فارغ از عقاید و مذاهب مختلف، موجود بود که به هیچک از مذاهب ارتباط نداشت بیان این مطلب که ما فقط خواهان اسلام هستیم صحیح بنظر میرسد ولی همانگونه که گفته شد، بدون در نظر گرفتن فرقه‌ها و مذاهب وابسته باسلام نمیتوان باین آئین مقدس دست یافت. بعبارت بهتر اسلام بطور مطلق وجود نداشته در سیمای

آگهی حصر وراثت
آقای موسی نوا بشناسنامه ۱۰۱۱۸ بشرح دادخواست کلاسه ۲۴۴/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان سربیه صرصری بشناسنامه ۷۸ در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۶ درگذشته وراث او عبارتند از متقاضی برادر و عباس گل شایان بشناسنامه ۲۷۶۸ همسر متوفاه.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۵ دادگاه شهرستان تهران - رضا عدالت
۶۰۳۴ م - الف ۳ - ۲ - آ - ش ۱۴۶

آگهی حصر وراثت
خانم ربابه گران پایه بشناسنامه ۶۰۳ بشرح دادخواست کلاسه ۲۴۳/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان ساره گران پایه بشناسنامه ۱۵۹۱۰ در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۴ در تهران فوت نموده و ورثه حین الفوت مشارالیه فقط متقاضیه (خواهر متوفی) میباشد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۵ دادگاه شهرستان تهران
۶۰۳۵ م - الف ۳ - ۲ - آ - ش ۱۴۵

آگهی حصر وراثت
آقای امیرحسن توحیدی وکیل آقای عبدالله صابونچی بشرح دادخواست کلاسه ۱۷۲/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان فاطمه حسین کوچک بشناسنامه ۱۸ در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۲۰ درگذشته وراث او عبارتند از آقای عبدالله صابونچی بشناسنامه ۱۴۰۴۰ - همسر دائمی و سکینه بهلوان رضائی بشناسنامه ۹۱۹۸ مادر متوفاه.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۵ دادگاه شهرستان تهران - رضا عدالت
۶۰۳۶ م - الف ۳ - ۲ - آ - ش ۱۴۴

آگهی حصر وراثت
خانم هما آریا بشناسنامه ۱۸۷۳ بشرح دادخواست کلاسه ۱۵۲/۵۸ مدنی این حوزه توضیح داده شادروان محمد ظاهر آریا بشناسنامه ۴۳۵ در تاریخ ۱۳۵۷/۵/۱۶ در تهران محل اقامت دائمی خود فوت نموده و وراث حین الفوت آن مرحوم عبارتند از آقایان ایرج آریا بشناسنامه ۵۴۳ متولد ۱۳۰۹ بهمن آریا بشناسنامه ۲۴۱ متولد ۱۳۱۲ - حمید آریا بشناسنامه ۸۶۸ متولد ۱۳۲۸ - فرهاد آریا بشناسنامه ۱۷۵ متولد ۱۳۲۲ پسران متوفی و بانوان منیر آریا بشناسنامه ۲۹۶ متولد ۱۳۰۷ - نادیه آریا بشناسنامه ۱۷۵ متولد ۱۳۲۰ - سارا آریا بشناسنامه ۷۱ متولد ۱۳۲۵ - هما آریا بشناسنامه ۱۸۷۳ متولد ۱۳۲۶ دختران متوفی و بانو مریم آریا بشناسنامه ۱۸۹۶ متولد ۱۳۸۹ عیال دائمی و بغیر از اشخاص فوق الذکر ورثه دیگری نداشته و ندارند.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به حوزه شورای داورى تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شورای داورى شهرستان تهران
۶۰۳۲ م - الف ۳ - ۲ - آ - ش ۱۴۳

خوانندگان عزیز پرخاش در لندن و انگلستان
چون با همه تلاشی که بعمل آمده است از ایجاد رابطه منظم با خوانندگان عزیز پرخاش در لندن مایوس شده‌ایم این آخرین شماره روزنامه ما است که با همان رویه ناقص در لندن منتشر میشود. خوانندگان عزیزیکه علاقمند باشند پرخاش هستند لطفاً آدرس خود را بدفتر مرکزی روزنامه در تهران ارسال دارند تا ترتیب ارسال روزنامه بنام ایشان داده شود.

قضیه خود مختاری و مسئله کردستان

مشکل دولت موقت جمهوری اسلامی

سید محمد روحی آهنگرانی
این موضوع مستلزم بررسی دقیق است مگر نه اینکه ضد انقلاب در تمام ارگانهای اجرائی نفوذ کرده‌اند و بعنوان مختلف در بین مردم اختلاف ایجاد میکنند تا وحدت را از بین ببرند پس بایستی با هوشیاری و دقت نظر - و بیطرفی کامل و طرفداری از انقلاب اصیل مردم محروم و ستمدیده متوجه اعمال ضد انقلاب بود که نتوانند در پناه مسلمان‌نمایی باعث ایجاد آشوب و اختلاف شوند. آنچه مسلم است مردم ایران همه با ایده و تلوژی‌های مختلف گرایش ملی دارند حتی ضد انقلابیون هم نمی‌خواهند گرایش غیر ملی داشته باشند منتهی عده‌ای که آلوده منافع گذشته‌شان هستند طرفدار برقراری رژیم سابق چون سابق هستند ولی مردم میدانند که رژیم سابق مدیون وجود امپریالیزم و تسلط سیاست و همکاری ماسادو ایجاد ساواک و خفقان امکان ندارد منتهی بعضی‌ها فکر میکنند که خودشان مجریان خفقان و گیرنده دست مزدهای کلان خواهند شد پس چه باک که میلیون‌ها نفر اسیر باشند تا تعدادی ریزه - خواران استعمار در رفاه مادی باشند ولی ایان اگر نصف زحمات شبانه روزی خود را در راه صحیح بکار ببرند از امکانات مادی باندازه کافی و شرافتمندانه بهره‌مند خواهند شد ولی چه کنند کوردلی و تیره روزی نصیب آنان شده است و حاضر نیستند تغییر روش بدهند چون فقط آیت اله طالقانی در مورد خود مختاری کردستان و سایر ایلات ایران بی‌فرضانه است و باروشن بینی اعلام شده لذا قبول خود مختاری کردها نه تنها مناطق کردنشین را آرام می‌کند بلکه امکان میدهد که دولت بیاری این مردم محروم ورنجکشیده بشتابد و نیروی میهن پرستی آنان بحدی خواهد بود که با کمک برادران ارتشی از توطئه‌های مرزی که اخیراً توسط ایادی مزدور شاه خائن ترتیب داده میشود جلوگیری کامل بعمل آورند.

هم چنین است در مورد خود مختاری سایر ایلات ایران که فدرالی شدن باعث میشود مقداری از وظایف سنگین حکومت مرکزی کاسته شود و علاقه با استقلال و آزادی در زیر پرچم جمهوری اسلامی در تمام نقاط ایران بحد اعلی برسد زیرا خیال خام تجزیه‌هیچیک از ایالات با خود مختاری در سر هیچ ایرانی اصیل و مردم دوست بوجود نخواهد آمد زیرا سیاست کلی و قوای ارتشی که حافظ منافع مرزها است در اختیار حکومت مرکزی قرار خواهد داشت.

نویسنده این یادداشت آقای سید محمد روحی آهنگرانی پدر سه مجاهد شهید آهنگرانیها است او که با دادن سه قربانی جوان خود بانقلاب ایران هدیده‌های گرانبها ارمغان کرده است چون گوهی آرام بنظر میرسد اما روحی خروشان دارد و طبعاً از پی آمده‌های انقلاب خشنود نیست بنظر پدر سه شهید جاوید فرقه بازی و تفکیک شهدا گامی است در تفرقه نیروهای مجاهد کشور و از دیدگاه او همه شهیدان ایران زمین هستند حالا اگر بعضی‌ها شیوه گروهی خاص را نمی‌پسندند این از ارج و مقام شهیدان نمیگاهد در این شماره یادداشت آقای روحی را مطالعه میفرمائید.

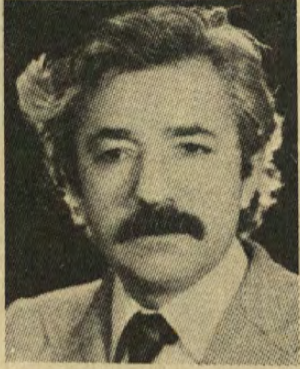


درباره وقایع کردستان بمسافرت چندی قبل آیت اله طالقانی استناد میکنم که ایشان موضوع خود مختاری را مطرح کرد و برای رفع غائله تلاش‌های پی گیری بعمل آورد ولی مثل اینکه اشکالاتی در سر راه دولت موقت بوجود آمد و یا عدم اعتمادی نسبت بمردم کرد وجود دارد که اینمساله تاکنون حل نشده است حجه الاسلام لاهوتی نیز چند شب قبل در گزارش تلویزیونی این مساله را مطرح کرد که مردم آواره مریوان در بیابان تحریک شده عواملی هستند که اگر اطرافیان نخست وزیر بودند میگفتند که دست فدائیان خلق در کار است کما اینکه ذهن نخست وزیر را نیز نسبت بفدائیان خلق آنچنان مشغول کرده‌اند که هر کاری را در هر بساطی بفدائیان نسبت میدهد. ممکن است عواملی از ضد انقلاب هم کارهایی بکنند و برای ایجاد نفاق و تفرقه نام فدائی بر خود بگذارند در هر صورت آقای لاهوتی از قول زنی کرد که ده بچه با گفتن لاله الا الله بدنیا آورده بود میگفت که این زن میگفت تا موقعیکه پاسداران اسلامی در شهر مریوان باقی باشند و حاضر است بر کابلوط بخورد و آواره باقی بماند و بشهر برنگردد و اینکه میگویند پاسداران حامی مردم هستند پس چرا مردم مریوان قبول ندارند آیا خدای نکرده آنقدر مردم بی‌شعور و نادانی هستند که خوب و بد را از هم تمیز نمیدهند و تحریک پذیرند یا اینکه ما که اینجا هستیم از نیش پاسداران که برخلاف اصول اسلامی رفتار میکنند اطلاع نداریم و

فریاد ملت، باندای حق قرین است

مدیر محترم پرخاش

با عرض تهنیت و تبریک برونزنامه آزادمای که مشی اش آزادی و ترویج وطنخواهی و اسلام جوئیست شعر (ازهاربست) خیلی قشنگ و درخور بود میگویند نباید به مرده چوب زد. ولی بعضی مردگان که حقوق ملی را بباد تاراج میدهند هرچه بر او چوب بزنند باز هم کم است. بدنیست که چوبی را هم که دانشجویان مسلمان و مبارز ایران بر پیکر او نواختند در صفحه سرود آزادی منعکس کنید با عرض سپاس.



فرصت فریاد!

جوهری "وجدی"

عید امسال است، چون آثاری زبیداد نیست بر سر کس سایه ای از دیو استبداد نیست حالیا غوغا برانگیز از شکوه انقلاب ای که میگفتی که ما را فرصت فریاد نیست مردم آزاده از قید تعلق فارغند پای در گل سرو هم باشد اگر آزاد نیست هان مشوایم که از دست مکافات عمل هیچ کاخی چون بنای ظلم بی بنیاد نیست هر فضائی را که از نور حقیقت خالی است گریه کرد شرک و ظلمت جای استبداد نیست ما از آن اسلام را "وجدی" پذیرا گشته ایم چون در آن جز شیوه آزادی - آزاد نیست

اندر وحدت کلمه

عاشقی مجنون صفت معشوق معبود را گفت: از چه روهر آنچه میگویم به بلای نفی تو گرفتار آید و جواب "لا" در کفه استمداد من همی گذاری؟ آیا فرصت آن نیست که با وحدت کلمه همراه شویم؟ معشوق به صد عشوه سخن ساز کرد که: از آن جهت از سر همی بازت زنم که آگاهم تو را هیچ توانائی در صحنه وحدت عمل نیست.

مجلس خبرگان

نه یا آری؟

در انتخابات مجلس خبرگان، مرد با ذوقی این رباعی را بجای رای بصندوق انداخته و نوشت: آری برای پرخاش فرستاده است.

گر فکر حکومت اساسی داری هشدار که آراء نبود اجباری در منع حکومت آنچه میخواهی نه جمهوری اسلامی ایران آری!

خیر مقدم

پرخاش عزیز روزنامهات تعطیل بود که آقا از سفر پاریس بخاک مقدس ایران قدم نهادند والا من آرزو میکردم که آنروز این شعر خیرمقدم را برای شما بفرستم، حالا دیر نشده، بنظرم شاخه گل هر وقت بروید گل است با عرض تبریک به "پرخاش" این شعر را که در بیات تهران خوانده میشود برای شما میفرستم و امیدوارم همکاری ادامه یابد.

خیر مقدم

الا ای آیت حق ای خمینی ای که ایران را ز یمن مقدم خود رشک گلزار جنان کردی فروزان تر ز خورشید جهان آراد رخسیدی بحکم مصلحت چندی اگر خود را نهان کردی چنان بارید نور معرفت از ماه سیمایت که خورشید فلک را منقصل در آسمان کردی بیک فریاد حق خواهانهای کردل بر آوردی جهانی را از این فریاد با خود همنان کردی ز فرط بی نیازی لب به خوان کن نیالودی ز دونان چشم پوشیدی قناعت با دونان کردی اگر ای شیر حق یک چند سالی در کمین بودی رماندنی رو بهان را چون کفر در کمان کردی بزعم آنکه بین ملت ایران نفاق افکند بمانی مهربان با ما که ما را مهربان کردی

ج-و

همدلی از همزبانی بهتر است!

همزبانی خویشی و پیوندی است مرد با نامحرمان چون بندی است ای بسا هندو و ترک همزبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان غیر نطق و غیر ایما و سجع صد هزاران ترجمان خیزد ز دل پس زبان محرمی خود دیگر است همدلی از همزبانی بهتر است

ماه مبارک!

جویند همه هلال و من ابرویت گیرند همه روزه و من کیسویت در دایره دوازده ماه مرا یک ماه مبارک است آن هم رویت

شاهی که برده، بنده، بیگانگان است فرمانبر از دستور آمریکاییان است در غارت و مرد مکتبی شهره جهان است این ملک را خواهد بکل ویرانه سازد تا جغد "یانکی" بر فرازش لانه سازد ارتشبدان، آخرشما مزدور خلقید

در خدمت مام وطن مامور خلقید و آنجا که زوری لازم آید زور خلقید وای ارکه خود را نوکران شه بدانیید فرمان ملت را به ضد شه نخوانیید ملت جو شه را عزل کرد از پادشاهی آنها به تأییدات آیات الهی باید که شه فرمان برد خواهی نخواهی این ملت ار کرد است و گرتزک و بلوچ است با حکم او هر حکم دیگر هیچ و بوج است این مملکت را افسرانی کار دانند سرهنگ و سرگردند و سروان جوانند یا جمله ستوانان که شیران زبانیند این افسران خلق وطن را خیر خواهند هم میهنان را حامی و پشتو پناهند این افسران نازنین خوبند و پاکند پروردگان لایق این آب و خاکند در راندن شاه از وطن، بی ترس و پاکند

شاهی که صدها جرم و تقصیر و گنه کرد با خاندانش روز ایران را سیاه کرد باللهندین دارد نه آئین دارد این شاه افکار بد اعمال ننگین دارد این شاه با ملک و ملت کین دیرین دارد این شاه باید شوند این خیل سربازان جانباز بر ضد شه با ملت ایران هم آواز

شاهی، گرفته در جهان راه تباهی تنها به ایران مانده است این روسیاهی ننگین شد ایران، از رژیم پادشاهی باید که سرباز وطن با سرفرازی بزاید ایران را ز گند شاه سازی این ملت از شه قرنهای آزار دیده است

ظلم و ستم از شاه و از دربار دیده است تاریخ ایران شه کشتی بسیار دیده است یک روز ملت نادر افشار کشته است روز دگر ظلل الله قاجار کشته است آن شاه ساسانی به چونان قدر و جاهش وان فریزدانی و آن دیهیم و گاهش کرد آسیابانی به آسانی تباهش

یک آسیابان ملتیی را کرد آزاد از سلسله ساسانی و آن ظلم و بیداد آیین مزدک چون قرین شد با تباهی "سلمان" مسلمان شده قصد دین پناهی تا مضمحل سازد رژیم پادشاهی اعراب را، زی ملک ایران، رهنمون شد وز قدرت دین تخت شاهان سرنگون شد این بازی دزد و وزیر و شه چه بازی است؟

باز چه ای از عصر رب النوع سازی است شه مظهر کین توزی و مردم گداز بیست باید که رسم شاهی از دنیا برافتد نسل شهان از این جهان یکجا برافتد در ملک ایران، شه شده هر جرغوزی هر نره غولی سلطنت کرده است روزی عیارگی یا بنده زاده کینه توزی

چون رویگر "یعقوب" و نانو زاده "محمود" این مملکت را هر زمانی مالکی بود درویش هم "کشور خدا" بوده است اینجا هم تاجدار از خواجهها بوده است اینجا هم "شهرضای" نرگدا بوده است اینجا از ترک و از تاجیک و از رومی و زنگی شه بوده، تا افیونی و چرسی و بنگی چون مالکی در ملک خویش این مفتخواران بودند اربابان و صاحب اختیاران مردم تمامی برده ایشان برده داران

جز زجر و حبس و غارت و کشتار افراد تاریخ را چیزی ز شاهان نیست در یاد شاهی، ز عهد بربریت یادگار است این رسم ننگین مانده از آن روزگار است شه هر که باشد انگل است و مفتخوار است باید از این انگل رهد این آب و این خاک این کشور از لوث وجود شه شود پاک سرباز ایران، ای خدا پشت و پناهد

ایزد برای مملکت دارد نگاهت حق، دارد ایمن از گزند پادشاهت شاهی که ملت کشته خواهد ملک ویران تا او به آمریکا ببخشد نفت ایران ای افسران ای خیل سربازان ایران ای ما همه جانمان فدای جان ایران شه لکه ننگی است بر دامن ایران باید شما این لکه ننگین بشوید با خلق ایران "مرده بادا شه" بگوئید ص-الف

هم میهنان کار وطن بالا گرفته وز نو، درخت شوم رجعت، پا گرفته دیو سیاه، در کاخ ایض، جا گرفته قداره بند مستبند باغشاهی تکیه زده بر مسند مشروطه خواهی شمری، که دست صد "سنان" راسته از پشت

دژخیم بی رحمی که صدهایی گنه کشت خواهد بضر چکمه و سر نیزه و مشت افراد ملت را به آزادی رساند وین ملک ویران را به آبادی رساند "ازهاربست" آن حکم "سیا" را سر سپرده آن بر جبینش داغ استعمار خورده خواهد که سازد زنده، شاه نیم مرده این مار سر کوبیده دیگر جان ندارد بیماری هاری سگ درمان ندارد از هاری آن "ضحاک" خون خلق نوش است

شاه و ولیعهدش دو مار روی دوش است از خون خلق این مارها را جنب و جوش است خون میدهدشان، تا که ماران زنده مانند سم ستم، در کام این ملت چکانند این مارها، بردوش ازهاربست جاشان خون جوانان وطن، باشد غذاشان باید که سبزد "کاوه" ای دفع بلاشان آن کاوه ضحاک کش مردان دینند

کز نور ایمان رهبر ایران زمینند از هاریا، پای تو باشد بر لب گور پیرانه سر، از ملت و میهن شدی دور رفتی و چسبیدی به نعش شاه منفور غافل که نعش شه، دگر جانی ندارد تا حاجت ارتشبد جانی برآرد از هاری، ای اعظم وزیر هیچکاره سر کرده، مردمکشان مفتخواره ای همچو طفلان، دلخوش از برق ستاره

چون شنبه پیری، اختیار از دست دادی؟ ناگه، به فکر کشتن خلق او فتادی؟ ای دعوی دین کرده، نهی از منکر تو؟ شرم از خدا، یا خجلت از پیغمبر تو؟ یک جو ترحم در نهاد کافرت کو؟ آخر مگر قائل به فردا نیستی تو شمری؟ یزیدی؟ ابن سعدي؟ کیستی تو؟ این، در حریم قدس مشهد قتل احرار آن در صفاهان دادنت فرمان کشتار

دادن جواز کشتن و غارت به اشراک انصافده "شمر" این همه خونخوار بودست؟ یا "ابن ملجم" این ستمکاری نمودست؟ ای حضرت از هاری این قهرامان است ایمن ترین جای خواست و عوام است اینجا مقام امن افراد انام است کافی نبود آنچه اعمال ننگین؟ صحن مطهر را ز خون کردی تورنگین؟ گفتی به صحن آن مبارک آستانه

سازند قلب زائر حضرت نشانه دیدم که سقاخانه، شد سلاخ خانه چنگیز هم با آنهمه کشتار و غارت در مشهد حضرت، نکردست این جسارت شاید به جز شه ایزد دیگر نداری یا جز طبیعت ایزدی باور نداری کاری به قرآن و به پیغمبر نداری شاید در آئینی که دین تیسار است انسان کشی هم ورزشی مثل شکار است؟ از هاریا، دست خدا همراه جمع است توفیق ربانی چراغ راه جمع است الطاف ایزد یار نیکی خواه جمع است

دست خدا نیروی ملت را معین است فریاد ملت، با ندای حق قرین است ارتشبد، بی شک خدائی دارد این ملک وز عدل حق فرمانروائی دارد این ملک در پهنه گیتی صدائی دارد این ملک آنهم صدائی چون ندای آیت اله بر ضد استبداد خائن پرور شاه شاهی که سی سال از غرور یک تازی با سرنوشت ملک و ملت کرد بازی

کارش برای مردمان پاپوش سازی این مملکت در آتش بیداد وی سوخت تا او به کام دل، دلار و لیره اندوخت شاهی که پولش بی حد و حصر و شمار است از ربح خواران بنام بانکدار است در رشوه خواری، رشوه گیری کهنه کار است

شاهی که پول نفت ایران را چپو کرد با داس قدرت هستی ملت درو کرد شاهی که او این ملک را زیر و زبر کرد آزادگان را از ستم خونین جگر کرد جلادی و غارتگری از حد بدر کرد چندان بگوری چشم حاسد کشت و دزدید تا چشم کور "کارتز" هم عاقبت دید

ناامنی و ترور در اصفهان اوج میگیرد

دریافت خبر سوء قصد بجان جعفر کازرونی در گذشتن ایشان در دنباله اخباری که در زمینه وجود محیط ارباب و ترور در اصفهان دریافت کرده بودیم مایه کمال تأسف گردید هنگامی که مجلات و روزنامه‌های تهران خبر از ایجاد دستگاه وحشت‌شکنجه از طرف بعضی از وابستگان دستگاه بطبع می‌رسانند در ایامی که هیچ یک از کاندیداهای غیرمؤید نمیتوانند حتی اوراق انتخاباتی بدیوار الصاق کنند زمانیکه موزعین اوراق انتخاباتی در اصفهان مضروب میشوند و نمایندگی مطبوعات با تاش کشیده میشود باید پذیرفت که امنیت و آسایش از اصفهان رخت بر بسته و مسئولیت این حوادث مستقیماً" بعهدہ کسانی است که سرخ مسائل اصفهان را در دست دارند. هنگامی که یک عنصر ناسالم روانی بعلت داشتن ارتباطات شخصی در اصفهان بعالیترین مقامات محلی منصوب شده بود و در خانه‌های سرمایه‌داری برای انتقام از ملیون مجلس آرائی میکرد متذکر شدیم که این رویه عاقبت خیری ببار نخواهد آورد.

جعفر کازرونی شخصاً" مرد افتاده‌ای بود که در این ایام زبانی بجامعه ما نمیرسانید و اگر کودکی فرزند او نبود نباید مردم را بستیزه با او تشویق میکرد. قاتل واقعی کازرونی همانها هستند که آرامش را از اصفهان گرفته‌اند و حالاکه موج ترور و وحشت بالا میگیرد صعوبت وظیفه آقای مهندس جنوردی بیشتر بچشم میخورد تا بتواند نابسامانیهای حاصله از محفل نشینی سلف ناخلف خود را جبران کند ما در حالیکه تروریسم و انتقام شخصی را شدیداً" محکوم میکنیم لزوم تجدید نظر در سازمانهای اجرائی اصفهان را متذکر میشویم چه اگر مقامات سابق و ذی نفوذ و لاحق شهری با فرزند جعفر کازرونی در توطئه‌ها شرکت نمیکردند شاید جاهلانی چند که ادعاهای مالی بر نوع کازرونی‌ها داشته باشند از دادرسی خود مایوس نمیشدند - ما چون همیشه هر نوع ترور را محکوم میکنیم و فرصت را برای کوتاه کردن دست عناصر غیرمسئول از شهر مفتنم میداریم.

امیدواریم دستگاه قضائی اصفهان قادر بدستگیری قاتلین کازرونی باشند.

خدایا عقیده مرا از شر عقده‌هایم رهائی ده

(زنده یاد دکتر علی شریعتی)

در هفته قبل از انتخابات در اصفهان نیز چون دیگر شهرهای ایران شاهد فعالیتهای انتخاباتی گروههای مختلف بمنظور راه‌یابی کاندیداهای خود به مجلس خبرگان بودیم که صرف نظر از انتقاد شدیدی که بر ادیو تلویزیون مرکز اصفهان در معرفی دو گونه کاندیداهای داشتیم و متأسفانه این سازمان ناگهانه و یا آگاهانه با اعمالی کودکانه شرطی طرف بودن خود را در بعضی از مراحل نادیده گرفته بود و فی‌المثل حق مساوی را که باید برای تمام کاندیداهای قائل باشد رعایت نکرد و با تعدادی از کاندیداهای مجلس بررسی نهائی قانون اساسی که همگان مورد احترام مانیز می‌باشند جلسه معرفی را بصورت مصاحبه و بقیه را بطریق معرفی شخصی در مدت ده دقیقه بعمل آورد ما ضمن اعتراض به این نحوه عملکرد توجه مسئولین را در انعکاس منفی این نوع اعمال متوجه می‌سازیم و اعلام می‌داریم.

خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج و طبق آیه شریفه (لا اکره فی الدین) بدیگر روحانیون مسئول و متعهد نیز برسبیل تذکر می‌گوئیم تفسیرهای بیشتری در مورد آیه فوق بعمل آورند تا جوانان پرشوری که طلا بیه داران این انقلاب هستند بر اثر ناگهانی دست باعملی نزنند که متأسفانه با روح اسلام راستین مغایرت داشته باشد.

آگهی تغییر محل شرکت ساختمانی وینه با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۱۰۰۰۷

طبق صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۵۸/۲/۱۰ مرکز اصلی شرکت به خیابان ویلا خیابان ورشو شماره ۳۱ انتقال یافت. مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۷۵۸۹ م الف - آ - ش ۱۸۶

آگهی تغییرات در شرکت نسبی جواد نیک نفس و شرکاء و ثبت شده بشماره ۱۴۶۱۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی و فوق العاده مورخ ۵۸/۲/۱۶ ترازنامه سال مالی ۱۳۵۷ بتصویب رسید آقای محمد حسن فقیهی بسمت بازرس انتخاب گردید آقایان مهندس جواد نیک نفس بسمت مدیر عامل بمدت نامحدود و آقای محمد حسن فقیهی بسمت قائم مقام مدیر عامل برای مدت یکسال و خانم ژوزه آن نیک نفس بسمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند حق امضاء اوراق تعهد آور با مدیر عامل پارئیس هیئت مدیره به تنهایی با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره به آقای محمد حسن فقیهی محدث با مهر شرکت خواهد بود.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۷۵۸۶ م الف - آ - ش ۱۸۸

آگهی حصر وراثت

آقای یوسف اصغری پورضیائی بشناسنامه ۴۳۰۱۵ بشرح دادخواست کلاسه ۱۸۵/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان فاطمه دخت یار محمدی نام بشناسنامه ۴۲۷۵۴ در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۷ درگذشته وراث او عبارتند از متقاضی و حسن افسری پورضیائی بشناسنامه شماره ۴۳۰۱۶ پسران متوفاه.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۷۵ دادگاه شهرستان تهران - رضا عدالت ۶۰۳۷ م - الف - ۲ - ۳ - آ - ش - ۱۴۷

اعزام استاد بامریکا

در هفته گذشته مطلع شدیم که دانشگاه اصفهان در نظر دارد بمنظور هرچه بیشتر گسترش سطح علمی دانشگاه در ارتباط با دیگر مراکز علمی جهان تعدادی از استادان خود را با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا اعزام دارد برای این برنامه که بقرار اطلاع از اول مهرماه بمرحله اجرا در خواهد آمد تاکنون ۸ نفر را انتخاب کرده اند ولی اسامی این گروه هنوز در برده ابهام باقی مانده است لیکن با حسن نظری که در مسئولین فعلی دانشگاه اصفهان داریم امیدواریم که این مرتبه چون گذشته روابط جایگزین ضوابط نباشد و از انتشار اسامی خودداری نشود.

چند مطلب پراکنده

یکی از دوستان که منتقدی حرفه‌ای است و در صورت لزوم ساعتها انتقاد می‌کند و هر مرتبه پس از اهر انتقاد هم اظهار نظر و تأییدیه می‌خواهد. در هفته قبل قرعه فالش بنام ما افتاده بود و گوشه میکروفون اظهار نظرهایش بود. البته که از همه جا گفت از اینکه چرا در اصفهان مراسم بزرگداشت سی ام تیر انجام نگرفت؟ و آیا این صحیح است که بزرگان قوم بصرف اینکه یک گروه سیاسی که با مقداری از عقایدشان مخالف هستیم و مراسم بزرگداشت برگزار کرده است باید صرف نظر کنیم و آیا این صحیح است که شهدای این مرز و بوم را در میان گروههای سیاسی تقسیم کنیم؟

و اینک چرا با اینکه بطور متوسط بیش از ۶ تن گوشت روزانه در اصفهان توزیع می‌گردد هر روز بطول صفا افزوده میشود و این آیا غیر از این است که توزیع نارسا و غلط سازمان گوشت کماکان ادامه دارد؟

و اینک چرا اداره صنایع و معادن اصفهان معادن مرودشت و دیگر معادن شن و ماسه و سنگ و گچ و آهک و نمک را از جنگ یک عده معدود که سالهاست در اختیار دارند بیرون نمی‌آورد؟ و بسیاری از مسائل دیگر و بالاخره بعد از ساعتها خدای حافظی کرد و رفت بعد از رفتن او بود که بفکر فرورفتن که راستی مردم ما در زمان انقلاب هم باید برای هر موضوع کوچکی قطعنامه صادر کنند و راهپیمائی نمایند؟

آیا این معادن که دوست ما می‌گفت احتیاج به این دارد که ماهها برایش دنبال قانون بگردیم و نامه پرانی کنیم و یا فقط یک جو همت می‌خواهد تا باگان کم یکن اعلام کردن اجاره‌های قبلی و با نظارت کامل در استخراج آنها بیش از این اجسازه هم منابع ملی این خلق مستضعف به جیب یک عده سرمایه دار سرازیر شود.

(خبرنگار پرخاش - اصفهان)

تظاهرات مردم مبارز اصفهان

بمنظور بزرگداشت یکمین سال شهدای اصفهان در پنجمین شب ماه مبارک رمضان مجلس باشکوهی در مدرسه امام جعفر صادق (مدرسه چهارباغ سابق) برگزار گردید در این مراسم که با استقبال کم نظیر مردم اصفهان مواجه گردیده بود در آغاز آیتانی چند از قرآن مجید قرائت گردید و سپس قطعنامه‌ای در شش ماده خوانده شد و آنگاه آقای بی صدر در مورد شهید و ارزشهای آن سخنرانی کرد. در پایان راهپیمائی باشکوهی توسط بیش از پنجاه هزار نفر از مردم اصفهان از مدرسه امام جعفر صادق تا میدان شهدا برگزار شد. در این شب همچنین در منزل حضرت آیت الله خادمی نیز مجلس بزرگداشتی برپا گردیده بود این راهپیمائی و گرامیداشت تا پاسی از نیمه شب گذشته ادامه داشت.

بقیه خدمات آموزشی ما چگونه آغاز و پایان یافت.

هستند باید برای آنها فکری کرد و یا بانجاه میلیون تومان پول ثبت نام چه کارها که نمیشود کرد. همکاران عزیز جاما که هنوز هم مورد احترام ما هستند نباید فوراً برچسب غرض شخصی و مسائل کورس کبیر بر آن بزنند. واگر تقاضای تعقیب دزدان مطرح شد بخاطر چند روز سابقه کار این قدر عصبانی نشویم.

آقای دکتر سامی و همکاران جاما

جناب دکتر سامی در هفته گذشته اظهار داشته‌اند که چون آقای دکتر شریعتمداری دست بعضی عناصر ناباب را از آموزش عالی کوتاه کرده است در پرخاش نسبت بایشان خورده گیری میکنند برای توجه بایشان توضیح داده میشود که این عناصر ناباب قبلاً" وسیله ارتشبد نصیری معدوم از مداخله در آموزش عالی ممنوع شده بودند نیازی بهمت آقای دکتر شریعتمداری نداشت و اگر ماهم مثل آقای دکتر شریعتمداری مصلحت کشور و آموزش عالی را با عصبانیت آمیخته بودیم همانروز که دیدیم ایشان از شنیدن نام دکتر معتدی و تعقیب او چون اسپندی برآتش از جای می‌جهند. مقداری از اسناد موجود را که در اختیار داریم منتشر میکنیم تا ملاحظه کنند تحریک دانشجویان مشکلی نیست در صورتیکه محرک قبلاً" دلبستگی خود را بمصالح مملکت و انقلاب و آموزش فراموش کرده باشند ولی ما در برابر بی مهری ایشان صبوری کرده‌ایم و از بعضی سوابق سخن نگفته‌ایم از ایشان هم تقاضائی نداریم. این آموزش عالی که براه معتدی - طوسی - سمیعی می‌رود و اوراق پرونده‌های قبلی را فتوکپی میکنند ارزانی ایشان و یارانشان باد. امیدواریم این اولین و آخرین توضیح ما در این باره باشد و دوستان جاما توجه کنند که اگر ما تذکاری را لازم میشماریم جز خیر و صلاح مملکت محرکی نداریم و حق نیست برصلاح اندیشی صادقانه مهر غرض زده شود والسلام.

آگهی انحلال شرکت بلنور با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۷۰۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۵۸/۲/۱۰ شرکت مذکور منحل اعلام گردید و آقای مهندس حسین شناور بشناسنامه ۳۳۳ تهریز ساکن تجریش کوچه کاشف پلاک ۲۴ بسمت مدیر تصفیه انتخاب گردید ضمناً محل تصفیه همان محل سکونت مدیر تصفیه قید گردیده است.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۷۵۸۵ م الف - آ - ش ۱۸۷

آگهی تصمیمات در شرکت حمل و نقل بین المللی پارا سهامی خاص ثبت شده بشماره ۹۰۴۵

با استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۵۸/۲/۲۲ ترازنامه سال مالی ۱۳۵۷ بتصویب رسید آقایان حمید نجفی زاده صوفی و مهدی نجفی بسمت بازرسان شرکت بمدت یکسال انتخاب شدند و روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۷۵۸۴ م الف - آ - ش ۱۸۲

آگهی تغییرات در شرکت نسبی جواد نیک نفس و شرکاء و ثبت شده بشماره ۱۴۶۱۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی و فوق العاده مورخ ۵۸/۲/۱۶ ترازنامه سال مالی ۱۳۵۷ بتصویب رسید آقای محمد حسن فقیهی بسمت بازرس انتخاب گردید آقایان مهندس جواد نیک نفس بسمت مدیر عامل بمدت نامحدود و آقای محمد حسن فقیهی بسمت قائم مقام مدیر عامل برای مدت یکسال و خانم ژوزه آن نیک نفس بسمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند حق امضاء اوراق تعهد آور با مدیر عامل پارئیس هیئت مدیره به تنهایی با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره به آقای محمد حسن فقیهی محدث با مهر شرکت خواهد بود.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۷۵۸۶ م الف - آ - ش ۱۸۸

آگهی حصر وراثت

خانم تاج‌غیائی فرزند محمدرضا بشناسنامه ۲۴۷۱۵ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۹۷/۵۸ مدنی این شعبه توضیح داده شادروان مرحوم اکبر طایفه نفر فرزند حسین بشناسنامه ۱۰۷۵۴ تهران در تاریخ ۵۷/۶/۳۰ در تهران محل اقامت دائمی خود فوت نموده و حین فوت وراث آن مرحوم عبارتند از پنج نفر فرزند پسر بنامهای ۱ - حسین طایفه نفر بشناسنامه ۲۳۴۷ تهران متولد ۱۳۲۱ ۲ - حسن طایفه نفر بشناسنامه ۱۲۰۵ تهران متولد ۱۳۲۴ ۳ - محمدرضا طایفه نفر بشناسنامه ۴۵۱۸۰ تهران متولد ۱۳۲۶ ۴ - علیرضا طایفه نفر بشناسنامه ۴۶۳۴ تهران متولد ۱۳۳۴ ۵ - حمید رضا طایفه نفر بشناسنامه ۵۷۰۷۳ تهران متولد ۱۳۳۷ و چهار فرزند دختر بنام آذرین دخت طایفه نفر بشناسنامه ۵۶۱ تهران متولد ۱۳۳۰ - پرویش طایفه نفر بشناسنامه ۱۳۵۰ تهران متولد ۱۳۳۲ ماه منظر طایفه نفر بشناسنامه ۴۵۵۷ تهران متولد ۱۳۳۲ - رویا طایفه نفر بشناسنامه ۲۳۵۷ تهران متولد ۱۳۴۵ و یک نفر همسر بنام بانو تاج‌غیائی بشناسنامه شماره ۲۴۷۱۵ (متقاضی) متولد ۱۳۰۵ و غیر از نامبردگان وارث دیگری ندارد لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی باین شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعدا ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس حوزه ۲۳ شورای داورى تهران - سلطانی ۷۵۹۴ م الف - آ - ش ۱۹۴

آگهی تغییرات در شرکت نسبی جواد نیک نفس و شرکاء و ثبت شده بشماره ۱۴۶۱۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی و فوق العاده مورخ ۵۸/۲/۱۶ ترازنامه سال مالی ۱۳۵۷ بتصویب رسید آقای محمد حسن فقیهی بسمت بازرس انتخاب گردید آقایان مهندس جواد نیک نفس بسمت مدیر عامل بمدت نامحدود و آقای محمد حسن فقیهی بسمت قائم مقام مدیر عامل برای مدت یکسال و خانم ژوزه آن نیک نفس بسمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند حق امضاء اوراق تعهد آور با مدیر عامل پارئیس هیئت مدیره به تنهایی با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره به آقای محمد حسن فقیهی محدث با مهر شرکت خواهد بود.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۷۵۸۶ م الف - آ - ش ۱۸۸

آگهی انحلال شرکت بلنور با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۷۰۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۵۸/۲/۱۰ شرکت مذکور منحل اعلام گردید و آقای مهندس حسین شناور بشناسنامه ۳۳۳ تهریز ساکن تجریش کوچه کاشف پلاک ۲۴ بسمت مدیر تصفیه انتخاب گردید ضمناً محل تصفیه همان محل سکونت مدیر تصفیه قید گردیده است.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۷۵۸۵ م الف - آ - ش ۱۸۷

آگهی حصر وراثت

آقای یوسف اصغری پورضیائی بشناسنامه ۴۳۰۱۵ بشرح دادخواست کلاسه ۱۸۵/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان فاطمه دخت یار محمدی نام بشناسنامه ۴۲۷۵۴ در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۷ درگذشته وراث او عبارتند از متقاضی و حسن افسری پورضیائی بشناسنامه شماره ۴۳۰۱۶ پسران متوفاه. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

بهای آگهیها
صفحه اول هر سطر یکهزارریال
صفحه آخر هر سطر شصتدریال
صفحات داخل هر سطر سیصدریال

تک شماره ده ریال
پس از یک هفته پنجاه ریال
برای خارج کشور ۲۵ پوس - نیم دلار

زیر نظر شورای نویسندگان
سی و سومین سال تاسیس
روزهای انتشار چهارشنبه

کردن دادرسی تقریباً همان شیوه مورد نظر آقای غلامرضا کیانپور وزیر معذور دادگستری است با این تفاوت که قاضی در این مرحله قاضی دادگستری نیست و حاکم شرع است در محافل قضایی صحبت بر این است که اگر این شیوه مورد قبول و عمل قرار گیرد باید منتظر انحلال دادگستری و دادگاههای تابعه بود ولی با توجه به لزوم استقلال قوه قضائیه هرگونه اقدامی قبل از تصویب قانون اساسی غیر معقول و خلاف اصول بنظر میرسد.

با توجه بقانون مطبوعات که در آن محاکمه را در محکمه عالی جنائی پیش بینی کرده اند و بتصویب هم رسیده است تصور این طرز قضاوت بعید بنظر میرسد.

مطبوعات تهران و دکتر شاپور بختیار

در هفته های گذشته یک نوع رقابت بین مجلات تهران برای چاپ عکس و مطلبی از دکتر شاپور بختیار در گرفته بود که هر یک گوش می کردند به بهانه و یا عنوانی مطلبی درباره دکتر بختیار داشته باشند هر چند که از احتیاط یا ترس در ضمن مطلب این قول و روایت را بدیگری نسبت میدادند در این هفته خود شاهد بودیم که بعضی از فروشندگان دوره گرد مطبوعات در شمال تهران با قاطعیتی که نشانه اعتماد و اعتقادشان بطرز ارائه تشریح می نمود صفحات مجلات را باز و عکس دکتر بختیار را برای جلب توجه مشتری در مقابل دید خریداران قرار میدادند.



اکبر زاد تحت حمایت قرار گرفته

درباره اکبر زاد قمی آن مرد بدنام و بدکاره که از دلای محبت پهلبد در فرهنگ و هنر تا استانداری هم پیش رفت و میلیونها تومان در شهر اصفهان با وقاحت دزدید هنور تحت تعقیب قرار گرفته و بقراریکه اطلاع یافته ایم بیاس مشارکتها و همکاریهای مستمری که با سعید حجازی در کثافتکاریها داشته است تحت حمایت مهندس حجازی قرار گرفته و در هفته گذشته دیدارهایی هم با یکدیگر داشته اند از آقای مهندس بازرگان که توقع دارند مردم درباره سوابق خرابشان حرف نزنند توقع داریم در باره سوابق این مراد که تحقیق کنند و اگر ممکن است این نمونه بد از خویشان خود را از خدمت در دولت انقلاب معاف نمایند.



گروههای ضربت در انتخابات و دیگر مسائل اجتماعی

یک بررسی کوتاه از آگهی های بلند و کوتاه انتخاباتی بخصوص در شهرستانها میسراند که اکثریت قریب باتفاق کاندیدها اضافه بر عده ای که عضو معرفی نشده شورای انقلاب هستند همگی از اعضاء کمیته انقلاب - دادگاه انقلاب - دفتر امام - دادسرای و دادستانی انقلاب هستند و در حالتی که با داشتن نیروهای مسلح امکان مداخله هر نوع مداخله در امور را دارا بودند عملاً نیازی گروههای ضربت و ارباب را اداره کرده اند در نتیجه در هر حالی که یک کاندیدی غیر مذهبی یک برگ آگهی بدیواری چسباند فوراً گروه ضربت وارد کار میشد یا اوراق کاندیدی غیر مذهبی را یکجا میسوزانیدند رسیدگی دقیق نشان میدهد که این گروهها مستقیماً تحت حمایت اشخاصی مسئول در امر انقلاب شهرستانها حمایت شده اند و غلط افحش این بود که بصاحبان مشاغل انقلابی اجازه کاندیدا شدن داده شده بود.



دسته گل فرماندار رودسر

تعقیب دو خبر شماره گذشته موضوع تاسی آقای فرماندار رودسر بفرماندار بندر انزلی طبق اطلاع هفته گذشته در حسن سراتنی چند جوان بنام کمیته مزاحمت خانواده ها را فراهم کرده اند بقرار اطلاع چند خانم در برابر ویلای خصوصی بدون مرد در دریا بوده اند، و جوانان مزاحم مزاحمت فراهم کرده اند آقای فرماندار در برابر شکایت اهالی مدعی شده اند که این افراد از کمیته نبوده اند صمیمانه توقع داریم اجازه این قبیل تجاوزات بحیثیت خانواده ها لغو شود چه گفته شده است در هر کجای دریا که زن وارد دریا میشود عده ای جوان کم سن و سال برخلاف اصول شرعی و قانونی گردشان حلقه میزنند و اگر کسی اعتراض کند میگویند از طرف کمیته آمده ایم.



آیا عکس العمل وزارت امور خارجه دلیل موقعیت بختیار است

دوروز پیش آقای دکتر یزدی وزیر امور خارجه که گفته بودند "استادی دردست دارند که دکتر بختیار قصد مرخص کردن شاه را داشته است" ناگهان در مصاحبه ای در صدا شتاب ارتباط بختیار با امریکائیا برآمدند (لطفاً) خوب بطلب توجه فرمایند) آقای دکتر ابراهیم یزدی مدعی حمایت دولت آمریکا از دکتر بختیار شدند و متون متبادله بین فرستادگان کارتر و امام را نیز بدست انتشار سپردند در محافل آگاه گفته شده است که این اقدام وزیر امور خارجه که تقریباً با وعده قبلی تفاوت فراوان داشت در این موقعیت بدون دلیل نمیتواند بود و اگر بخواهیم سر و صدای مطبوعات داخلی دایره بوجاهت بختیار و حضور ذهنی مشارالیه را در افکار مردم نفی کنیم تنها انگیزه ای که باقی میماند موقعیت و اعتبار دکتر بختیار در نظر سازمانهای سیاسی خارجی باقی می ماند که اخیراً چه در پاریس و چه در لندن با پخش مصاحبه جدید بختیار از ایشان بعنوان یک شخصیت صاحب نظر یاد کرده اند.



محرمانه دارد و حفظ آن لازمست هیچ تردیدی نیست ولی قبلاً باید تکلیف نوع سند و اعمال حاکمیت ملی و اعاده اقتدارات سازمانهای انتظامی مشخص شود و سپس تکلیف اسناد سازمان امنیت که بر روی سابقه هر پیشه ور و نرخ آبدوغ خیار هم مهر محرمانه میزد تعیین شود چه اگر بنای کار بر غرض باشد ما هم تاکنون چند سند محرمانه از جنایات رژیم را منتشر کرده ایم . بهرحال طبیعی و لازم است که پس از طی مراحل بالا از نشر نامه های سری ارتش جلوگیری شود

ملاقاتها و مسافرت علی اسلامی نیا (پهلوی سابق)

اطلاع واصله حاکی است که علی اسلامی نیا پهلوی سابق تنها پسر علیرضا که پدرش بدست شاه سابق کشته شده بود قبل از مسافرت موفق بدیدار حضرت آیت الله امام خمینی و آیت الله طالقانی شده است - بقرار گزارش رسیده پرخاش علی اسلامی که سخت پای بند بمعقودات مذهبی است و در دوران طاغوت نیز از مقلدین حضرت امام بوده از طریق آقای پسندیده مسائل شرعی خود را طبق نظریه آقای خمینی استعلام و انجام میداده است در هفته های پیش بحضور امام میرسد و ایشان باعتبار سوابق مذهبی و زندانیهای که در هنگام قدرت عموجان کشیده بوده است ایشان را از هر گونه تعرض مصون اعلام میدارند آقای علی اسلامی نیا بعداً بحضور حضرت آیت الله طالقانی میرسد

رئیس بیمارستان روانی ووکیل سابق

در میان وکلای دوره منحل مجلس شاهنشاهی دو تن از وکلای پیش از همه بضدانقلاب سخن گفتند و کافر ماجرائی کردند یکی دانشی بود و دیگری دکتر متمکن و رئیس بیمارستان روانی که علناً به پیشوای انقلاب در مجلس امانت کرد . چنانچه میدانیم اولی با اعدام محکوم شد و دومی آزاد گردید و اکنون مردم میپرسند علت آزادی آن بزرگ هتاک چه بوده است ؟



یکی از خبرنگاران پرخاش اطلاع میدهد که این جناب دکتر قبل از بزرگ مخصوص یکی از فعالین خالدار بوده است که بعلت بیماری روانی در بیمارستان ایشان بستری بوده و بیاس شکر از مداوا و پذیرائیهایش موجبات استخلاص ایشان را فراهم کرده اند. بیچاره ملتی که گرفتار این بیماران شده است چه شنیدیم غیر از این حضرت یکی دوتن بیمار دیگر نیز در سازمانهای موجود رسوخ یافته اند .

مجله صدا و اقبال مردم

در هفته های گذشته مجله ابتکاری صدا بهمت دوستان با ذوق آقایان علیرضا میبیدی - علیرضا نوری زاده - فریدون فرح اندوز چند همکار مطبوعاتی دیگر بدست ماریسید این مجله ابتکاری که مطالب آن وسیله و با صدای هر صاحب نظر ضبط و منتشر میشود در محافل و مجامع طرفداران بسیاری یافته است بطوریکه در بیشتر خانه ها شاهد وجود این مجله گویا هستیم ضمن آرزوی موفقیت همکاران عزیز خود در صدا از تذکرات نکته غافل نمیتوانیم بود که هر چند سرمایه اصلی توجه مردم باین مجله حسن فریحه و استعداد وافر گردانندگان مجله است ولی باز گوکننده این حقیقت هم هست که استقبال از مجله صدا نواقص صدای جمهوری اسلامی را هم تلویحاً نشان میدهد و میرساند که مردم چیزهایی را که میخواهند بقیمت گران هم میخرند و گاهی صدای رایگان را نمی شنوند .



کینه نسبت بشاه و کور کردن اسب

از میدان اسب دوانی فرح آباد اطلاع میدهند که ارباب رجوع و ویزیتورهای باشگاه اسب دوانی فرح آباد پس از اطلاع از اینکه فلان اسب متعلق بشخص شاه بوده است با سخونک چشم حیوان را کور کرده اند این اقدام که نشان دهنده کینه نسبت بشاه سابق است هرگز قبح عمل عاملین را نمی پرشاند بگیریم که اسب مال شاه و متعلق باو هم بوده است کجای قوانین اسلامی و انسانی اجازه کور کردن چشم حیوان بیگانه ای را میدهد فقط بجرم اینکه متعلق بیک موجود ظالم بوده است از مراجع و پیشوایان مذهبی توقع می رود که در ارشاد این قبیل اشخاص توجه بیشتری معمول دارند .



آیا دادگستری بکلی منحل میشود

داستان آئین دادرسی و یک مرحله ای شدن محاکمات از یکسو و شیوه دادرسی که در دنباله انقلاب مشروطیت بعنوان عدالتخانه دادرسیهای بزرگ را با حضور چند قاضی مقرر داشته بود از سوی دیگری از انقلاب دوباره توجه محافل را بخود جلب کرده است بقرار اطلاع در جامعه روحانیت نظر بر این داده شده است که دادرسی در موارد و مراحل باید بر طبق موازین شرعی و تبعاً با یک حاکم شرع انجام پذیرد گفته میشود مسافرت اخیر آقایان نخست وزیر و وزیر دادگستری هم برای جلب نظر و مشورت با امام در این مورد بوده است . محافل نکته سنج بر این عقیده اند که شیوه یک مرحله ای



دادگاههای انقلاب محل افشای اسرار
دکتر شیخ الاسلام زاده در جریان مدافعات خود در دادگاه انقلاب پرده از روی بسیاری از دزدیها برداشت و برای براءت خود اشاره ای هم نسو استفاده در بنگاه کل داروئی کشور کرد که یک وسیله پانصد تومانی را چگونه چند برابر بهزینه میگذاشتند . از آقای دادستان دیوان کفر توقع داریم مطالب مطروحه در دادگاههای - انقلاب را مورد بررسی قرار داده و پیش از آنکه متصدیان این بنگاه که میلیارد تومان سرمایه اندوخته اند از کشور خارج شوند بحساب آنان رسیدگی کنند ما در شماره های گذشته هم اشاراتی در این مورد داشتیم که هنوز بست و بندهای گذشته ادامه دارد و کلاه بر سر آقای دکتر سامی هم میگذارند .



تشکیل کمیته رسیدگی بوضع سناتورها و وکلای سابق
پیشنهاد پرخاش درباره رسیدگی بطرز کار و اوضاع مالی نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی مورد توجه مقامات ذریبط قرار گرفته و بقراریکه آگاه شدیم کمیسیونی از افراد بی نظر و صاحب صلاحیت تشکیل گردیده است تا بوضع یکایک سناتورها و وکلای مجلس رسیدگی شود این رسیدگی شامل همه اعمال دوره نمایندگی آقایان خواهد بود و ضمن بررسی وضع مالی هر یک در صورت محقق شدن سوء استفاده مراتب بمرامع ذیصلاح نیز اعلام میشود باین معنی که اگر کمیسیون بعلت عدم استطاعت مالی با عدم استرداد حقوق و کیلی موافقت میکند در مقابل بتواند در جهت استیفای حقوق مردم از دیگر متجاوزان نیز اقدام مؤثر معمول دارد .



آخرین تلکه و کلاهبرداری اسلامی نیا - مشاور هویدا
در ماههای آخر رژیم سابق که از نظام شاهنشاهی بوی الرحمن بلند شده بود ولایحه سلب مصونیت یا سببی معروف تهیه و بتصویب رسیده بود اسلامی نیا معروف که بعلت ارتباطات با هویدا مشیر و مشار او بود با عنوان ارتباط با سرلشکر معدوم مقدم سه ملیون تومان از یاسینی دریافت میکند و طبعاً کاری هم برایش انجام نمیدهد. دریافت کننده وجه که با عنوان منشی اسلامی نیا وجه را گرفته اکنون در تهران حضور دارد اسلامی نیا حسب التوصیه آقای فلسفی واعظ ۲۸ مردادی از کمیته عباس آباد خارج و اکنون در کالیفرنیا مشغول ... است .



تحریرات در کالیفرنیا
ضمن اینکه می پذیریم بسیاری از بی ترتیبی ها در کار ما وجود دارد که زبان مردم و قلم مطبوعات خارج کشور را بروی انقلاب با شدت باز کرده است از این حقیقت نیز غافل نمیتوانیم شد که عده ای وطن فروش و جاسوس که هستی ملت را غارت کرده اند در کشورهای خارج مشغول سمپاشی هستند و اگر بپذیریم که روزنامه های خارج حلیم کسی را بی دلیل هم نمی زنند باین حقیقت متوجه میشویم که حملات شدید مطبوعات امریکا مخصوصاً در لوس - آنجلس با پولهای فراریان ایرانی بی ارتباط نیست از کالیفرنیا اطلاع میدهند اسلامی نیا منزل خود را مرکز این قبیل اجتماعات ضد میهنی قرار داده و وجوهی برای پرداخت بمطبوعات جمع آوری کرده است گفته میشود حملات وقیحانه اخیر لوس آنجلس تایمز بانقلاب ایران از همین جا سرچشمه میگیرد



معاون برکنار شد ولی ایادی او سرکارند
بالاخره فیروز مهدوی معاون وزارت کشاورزی پس از مدت سه ماه که از تذکر پرخاش گذشت از معاونت وزارت کشاورزی برکنار شد یاد آوری این نکته ضروری است که این ضدکشاورز دست - پرورده روحانی معدوم بسا سوابق روشن شاهنشاهی در این مدت کوتاه بواسطه تحت نظر داشتن بیش از ۱۴ دستگاه و سازمانها با اعمال وزارت کشاورزی بجای استفاده از تخصص ها و مهارت ها با اعمال نظرات خصوصی و سلیقه های شخصی شارلاتانهای متظاهر را در راس کارهای اجرائی گذاشته و کارمندان صدیق و با تجربه را خانه نشین نموده در نتیجه انتصاباتی که از جانب نامبرده انجام گرفته بعید بنظر میرسد . جلوگیری از انهدام کشاورزی مملکت مقدور باشد جا دارد بررسی و تجدید نظر در انتصاباتی که وسیله مهدوی معلوم الحال انجام گرفته بعمل آید .



اعلامیه ستاد ارتش و اسناد محرمانه
ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی با اسناد بقانون نشر اسناد محرمانه مصوب سال ۱۳۵۳ مقامات نظامی و مطبوعات هشدار داده است که از افشاء اسرار و اسناد محرمانه بهره یزید و نویسندگان چرایی نیز عبارات جرائم مذکور در قانون مزبور توجه کنند انتشار این اعلامیه نیز از کارهای بی موقع ستاد ارتش ایرانست چه هنگامی که هنوز دولت قدرت اجرائی را بختیار ندارد و هنگامی که بسیاری از امرا و فرماندهان بجرم تهیه و تنظیم و وفاداری باین اسناد محاکمه و اعدام میشوند معلوم نیست چگونه میتوان قانون مزبور را بموقع اجرا گذاشت در صورتیکه هر ارتشی اسناد